

گزارش عملیات والفجر ۱۰

یدالله ایزدی*

<p>عملیات والفجر ۱۰ در ۲۳ اسفند ۱۳۶۶ (یک هفته به پایان سال)، به منزله‌ی عملیات اصلی سالانه‌ی جمهوری اسلامی ایران در ارتفاعات و زمین‌های غرب دریاچه‌ی دربندیخان موسوم به دشت زور انجام شد. این در حالی بود که ارتش عراق می‌پنداشت ایران همچنان در جبهه‌های جنوب عملیات خواهد کرد و بر این اساس برنامه‌ریزی کرده بود. سرعت اجرای عملیات، دسترسی سریع یگان‌ها به اهداف، غافل‌گیری دشمن و عقب ماندن از اهدافش سبب شد منطقه‌ی به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع (دشت‌زور) شامل ۳ شهر و بالغ بر ۷۰ روستا ابتدا محاصره و سپس تصرف شود. عراق در واکنش به استقبال مردم کرد منطقه از رزمندگان ایرانی و جبران آنچه در این منطقه از دست داد، شهرها و برخی روستاهای این منطقه از جمله حلبچه را در ابعاد وسیعی بمباران شیمیایی کرد که به شهادت و مصدومیت حدود ۱۰ هزار تن از مردم این منطقه و تعدادی از رزمندگان انجامید. بازتاب بین‌المللی گسترده‌ی فاجعه‌ی حلبچه علاوه بر محافل دیپلماتیک و رسانه‌ها، افکار عمومی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد. آنچه پیش روست به طور فشرده به چگونگی انتخاب منطقه‌ی حلبچه برای اجرای عملیات، اقدامات قبل از عملیات، شرح عملیات و ویژگی‌های آن پرداخته است. بررسی آثار سیاسی و نظامی عملیات والفجر ۱۰ و بمباران شیمیایی حلبچه مجال دیگری را می‌طلبد.</p>	<p style="text-align: center;">چکیده</p>
--	---

مقدمه

همراه با رعایت اصل غافل‌گیری. به نظر می‌رسید با توجه به هوشیاری دشمن، تسلیح روزافزون زمین و تقویت بیش از پیش ارتش عراق، به خصوص در مناطقی مانند شلمچه، زید، ام‌الرصاص، فاو و هور اجرای عملیات موفق در منطقه‌ی جنوب ممکن نیست.^(۱) دشمن در جنوب، علاوه بر افزایش توان نظامی خود، از هوشیاری نسبتاً کاملی نیز برخوردار بود و شاید عمده‌ترین عامل چشم‌پوشی فرماندهان

زمینه‌های شکل‌گیری عملیات والفجر ۱۰
 آخرین تحرک نظامی ایران در جبهه‌های جنوب در فروردین ۱۳۶۷، و در جریان عملیات تکمیلی کربلای ۵ - که در ادامه و تکمیل نتایج عملیات کربلای ۵ در منطقه‌ی شرق بصره انجام گرفت - به همت نیروی زمینی سپاه پاسداران اجرا شد. لازمه‌ی تداوم عملیات در جبهه‌های جنوب همچون گذشته عبارت بود از: برخورداری از خلاقیت و ابتکار عمل،

* پژوهشگر و راوی مرکز در دفاع مقدس



برادران سید رحیم صفوی و محسن رفیق دوست، منطقه عملیاتی والفجر ۱۰، ۱۳۶۶/۱۲/۲۵

سپاه پاسداران از اجرای عملیات در جنوب و روی آوردن به منطقه‌ی شمال غرب در سال ۱۳۶۶ همین امر بود. تغییر استراتژی عملیاتی سپاه و جای‌گزین کردن منطقه‌ی شمال غرب به جای جنوب، نه تنها از اهمیت "عملیات موفق" به منزله‌ی اصلی مهم نکاست، بلکه بر

ضرورت اجرای آن نیز افزود. بنابراین، از نظر سیاسی و نظامی اجرای عملیات موفق اجتناب‌ناپذیر بود و به منظور ممانعت از ایجاد رکود در جنگ، فراهم‌سازی مقدمات تداوم نبرد، کسب پیروزی در جنگ و عبور از وضعیت جدید ضروری می‌نمود.^(۳) عملیات‌های نیروی زمینی سپاه که در سال ۱۳۶۶ در منطقه‌ی شمال غرب انجام شد عبارت بودند از:

ویولان و تنگه‌ی گوجار در منطقه‌ی ماووت در ۲۵ دی ۱۳۶۶.

در این میان عملیات بیت‌المقدس ۲ عملیات بزرگی محسوب می‌شد که در شمال سلیمانیه انجام گرفت، اما بروز پارهی مشکلات در زمینه‌ی احداث جاده و انتقال امکانات، به مرور از میزان آمادگی نیروها برای اجرای عملیات در منطقه‌ی ماووت کاست و تأخیر مکرر در اجرای عملیات، در نهایت سبب محدود شدن اهداف عملیات در این منطقه شد. از آن جا که تداوم عملیات بیت‌المقدس ۲، به دلیل معضلات و نارسایی‌های موجود از جمله تخریب جاده و پل گرده‌رش بر اثر طغیان رودخانه و مسدود شدن عقبه‌ی عملیات، بارش برف سنگین و مداوم و حمله‌ی دشمن به مواضع کرده‌های معارض عراقی، در غرب منطقه‌ی عملیاتی بیت‌المقدس ۲، ناممکن بود به تدریج نظرها به منطقه‌ی عمومی حلبچه و سد دربندیخان - که در اولویت‌های بعدی قرار داشت - معطوف شد.^(۳)

۱. عملیات کربلای ۱۰ (در ماووت) و فتح ۵ (در ارتفاعات یاغسر) که به طور هم‌زمان به همت معارضان عراقی، در ۲۵ فروردین ۱۳۶۶ در عراق انجام شد.

۲. عملیات نصر ۴ در شهر ماووت و ارتفاعات ژاژیله، شاخ قشن و باسوله در ۳۱ خرداد ۱۳۶۶.

۳. عملیات نصر ۷ در ارتفاعات دوپازا و بُلُفت در محور سردشت در ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

۴. عملیات نصر ۸ در ارتفاع گرده‌رش در منطقه‌ی ماووت در ۲۹ آبان ۱۳۶۶.

۵. عملیات بیت‌المقدس ۲ در ارتفاعات قمیش،

حلبچه، از طرح تا تصمیم گیری

بعد از بحث‌های گوناگون درباره‌ی اجرای عملیات در منطقه‌ی حلبچه، محسن رضایی فرمانده کل سپاه موافقت خود را با اجرای عملیات در این منطقه اعلام کرد و گفت:

ارتفاع شیندروی و بالامبو و شهر را می‌شود آزاد کرد. مهم حفظ آن از سمت خرمال و تنگه است، این‌جا اگر در بهمن ماه انجام شود نیروی خوبی می‌آید جبهه. الاغلو تا قیوان هم اگر بروید و عملیات جنوب را هم انجام دهید مثل تصرف حلبچه در مردم اثر ندارد.

تعدادی از فرماندهان ابتدا با این موضوع

مخالفت کردند اما محسن رضایی چند بار دیگر تمایل خود را به اجرای عملیات در حلبچه ابراز کرد و گفت: «این‌جا [حلبچه] دور تا دورش ارتفاع است که با گرفتن بالامبو و شیندروی روی همه‌ی منطقه مسلط هستیم، فقط از دریاچه به ملخور ارتفاع ندارد.» وی درباره‌ی زمان عملیات و ارزش محور حلبچه ادامه داد: «حیف است یک شهر قابل وصول از

دست برود که بعد سیاسی - اجتماعی زیادی دارد. هم در داخل عراق و هم در داخل کشور خودمان، هم این‌که فاصله‌ی ما با سد دربندیخان خیلی کم می‌شود و اگر این منطقه دست ما باشد پدافند زیادی به دشمن تحمیل می‌شود.» فرمانده کل سپاه در واکنش به استدلال بعضی فرماندهان مبنی بر اولویت داشتن منطقه‌ی بیت‌المقدس ۲ و جبهه‌های جنوب، افزود:

اجرای عملیات در منطقه‌ی دشت زور* از دیرباز مطمح نظر فرماندهان سپاه بود و در مقاطع گوناگون جنگ از جمله قبل از عملیات والفجر ۸ چندین بار در این باره بررسی‌هایی انجام گرفت، اما در طول جنگ با توجه به راهبرد عملیاتی عملیاتی سپاه مبنی بر اجرای عملیات در جنوب، هیچ‌گاه به طور جدی به آن پرداخته نشد.

در گذشته، بیش‌تر عملیات‌های فصلی منطقه‌ی دشت زور، در محور شاخ شمیران و سد دربندیخان انجام می‌گرفت. قبل از شروع عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲، به منظور فریب دشمن و دور کردن ذهن او از منطقه‌ی جزایر مجنون، ارتفاعات مهم شاخ شمیران و شاخ سورمر به تصرف نیروهای خودی درآمد. این منطقه پس از فتح فاو با اتخاذ استراتژی دفاع متحرک عراق، از دست نیروهای خودی خارج شد و دوباره در اختیار دشمن قرار گرفت. پس از عملیات کربلای ۵ و دست نیافتن به راه‌کاری مناسب در جنوب، منطقه‌ی عمومی حلبچه و خرمال در شرق سلیمانیه از نظر سیاسی - نظامی مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، از شهریور ۱۳۶۶ قرارگاه بدر که در حال آماده‌سازی محور مریوان بود، مسئولیت ادامه‌ی احداث جاده‌ی ملخور به هانی‌قل در ارتفاعات سورن را نیز بر عهده گرفت. قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) نیز از محور گوزیل به شدت مشغول آماده‌سازی محور جنوبی منطقه عملیات شد. در پی اجرای ناموفق مرحله‌ی سوم عملیات بیت‌المقدس ۲ (روی دولشک و الاغلو) جلسه‌ی با حضور تعدادی از فرماندهان سپاه تشکیل شد** و به بحث و بررسی درباره‌ی ادامه‌ی این عملیات پرداختند. در این جلسه

عراق در واکنش به استقبال مردم کرد منطقه از رزمندگان ایرانی و جبران آنچه در این منطقه از دست داد، شهرها و برخی روستاهای این منطقه از جمله حلبچه را در ابعاد وسیع بمباران شیمیایی کرد که به شهادت و مصدومیت حدود ۱۰ هزار تن از مردم این منطقه و تعدادی از رزمندگان انجامید

* دشت زور در اصل دشت زهور به معنای دشت گل‌ها نام دارد که شهر حلبچه، دجیله (سیروان) و خرمال و حدود یکصد روستا در پهنای آن قرار دارد و بعضاً به این منطقه دشت حلبچه نیز گفته می‌شود.

** این جلسه ۲ بهمن ۱۳۶۶، با حضور برادران محسن رضایی، رحیم صفوی، مصطفی ایزدی، محمدباقر قالیباف، عزیز جعفری، اصغر مقدم، امیر حیات‌مقدم، محمد صالحی، غلامرضا نجات و... تشکیل شد.

می‌کنیم، دوم جنوب، سوم اگر هیچ یک از آنها نگرفت و قفل شد، حلبچه را عمل بکنیم. آقای هاشمی: نگرفت ندارد، هم این جا می‌گیرد، هم جنوب. میزان موفقیت مطرح است. برادر محسن: تنها جایی که اگر آن دو جا نشد، تعیین‌کننده است و اثر بالایی دارد حلبچه است که می‌رویم آن را آزاد می‌کنیم.

وی همچنین در مورد جنوب می‌گوید: جنوب را دیگر به این سادگی نمی‌شود قضاوت کرد. آقای هاشمی، ما دست‌مان توی کار است، اگر دشمن در خط هم غافل‌گیر شود، صبح نیروی خود را از سمت ام‌القصر راه می‌اندازد [به سمت فاو] و کافی است از سه چهار لشکر ما یکی‌اش موفق نشده باشد [۰۰۰] ما اگر ساده‌اندیشی بکنیم، ممکن است زمان را از دست بدهیم و مثل خیبر و [۰۰۰] بز نیم و هیچ جای دیگری هم در دست‌مان نباشد.

آقای هاشمی درباره‌ی عملیات‌های اول و دوم می‌گوید: اگر این‌ها موفق شد، حلبچه چی؟ برادر محسن: می‌توانیم عقب بپندازیم، بعد بسیج می‌کنیم با یک ۵۰ گردان می‌رویم.

در این زمینه آقای روحانی درباره‌ی حضور مردم از شهر حلبچه می‌پرسد: مردم هستند؟ برادر محسن: ۳۰ هزار نفر.

آقای روحانی: مردم چی؟ بمب‌باران می‌کند، مردم را از شهر آواره می‌کند، می‌آیند بالای سر ما. آقای هاشمی: شما که سیاست شهرگیری را قبول دارید. به هر حال در قلعه‌دیزه هم مردم هستند، در

«پس حلبچه را آماده بکنیم، اگر دیدیم جنوب قفل شد دیگر مجبور نباشیم در جبهه‌ی بیت‌المقدس ۲ به دشمن بز نیم و تلفات بدهیم، اصرار نکنیم، بیاییم این جا*» در پایان جلسه، محسن رضایی در یک جمع‌بندی کلی از مباحث انجام شده گفت:

پس جمع‌بندی‌مان این طور می‌شود [۰۰۰] اگر محور الاغلو و جنوب قفل شد، دیگر اصرار نکنیم و تمرکز قوا بدهیم این جا، متها این جا باید آماده شود که در صورتی که خواستیم، ظرف یک هفته بیاییم پای کار. پس اول محور الاغلو و دولبشک، دوم جنوب، سوم حلبچه.^(۴)

جلسه با آقای هاشمی رفسنجانی

فرمانده کل سپاه روز بعد به قرارگاه بروجردی رفت تا آقای هاشمی رفسنجانی را از نتایج و تصمیمات جلسه‌ی شب گذشته‌ی فرماندهان مطلع کند. به همین منظور جلسه‌ی با حضور آقایان هاشمی رفسنجانی، محسن رضایی، روحانی، سنجدی و رحیم صفوی تشکیل شد. خلاصه‌ی از مباحث مطرح

تغییر استراتژی عملیاتی سپاه و جای‌گزین کردن منطقه‌ی شمال غرب به جای جنوب، نه تنها از اهمیت "عملیات موفق" به منزله‌ی اصلی مهم نکاست، بلکه بر ضرورت اجرای آن نیز افزود

شده در این جلسه چنین است:

[در ابتدا فرمانده کل سپاه، ضمن بیان تصمیمات شب گذشته‌ی فرماندهان سپاه گفت:]

ما اول این جا [بیت‌المقدس ۲] را عملیات

* فرمانده سپاه بعدها درباره‌ی امکان اجرای عملیات در جنوب گفت:

اولویت اصلی نبرد در منطقه‌ی جنوب بود منتها به دلیل قفل شدن راه‌کارهای عملیات در جنوب همانند سال‌های قبل، برای کسب فرصت و زمان برای تک در منطقه‌ی جنوب، جنگ در منطقه‌ی شمال ادامه می‌یافت. هم‌زمان با اجرای سلسله عملیات‌های بیت‌المقدس و نصر، تیمی به فرماندهی برادر شمنخانی و متشکل از برادران غلامپور، قاسم سلیمانی، و ... در جنوب برای یافتن راه‌کار مناسب جهت اجرای عملیات تلاش می‌کردند که قبل از تصمیم‌گیری برای انجام عملیات والفجر ۱۰ این تیم اعلان کردند که هیچ راهی برای ادامه‌ی جنگ در جنوب نیافتند، ولی در عین حال آخرین گزارش‌ها در منطقه‌ی جنوب به طور پیوسته بررسی می‌شد تا در صورت احتمال موفقیت، اجرای عملیات در جنوب در اولویت نخست قرار گیرد. (محمد درودیان، شلمچه تا حلبچه، سیری در جنگ ایران و عراق (جلد چهارم)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۷۶، ص ۲۱۷)



از راست: سوداگر، پیشبهار، کلیشادی، عزیزجعفری، اسدالله احمدی (راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)، سیدرحیم صفوی، محمدنبی رودکی، رسول یاحی، اسماعیل قاتانی، غلامرضا صالحی، شیخ میری، منطقه عملیاتی والفجر ۱۰، ۱۳۶۶/۱۲/۲۰

سمت سلیمانیه هم بروند، مردم هستند و [...] باید یک اردوگاه برای آنها درست کنیم.^(۵)

پس از اتمام جلسه، محسن رضایی به همراه بعضی فرماندهان سپاه پاسداران از جمله رحیم صفوی، مصطفی ایزدی، مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله، نبی رودکی فرمانده لشکر ۱۹ فجر و ... برای بازدید از منطقه خرمال

سد دربندیخان - که دو محور کلیدی در این عملیات به شمار می‌رفتند - و احتمال ورود دشمن به این مناطق و آسیب‌پذیری آن، لشکر ۱۷ و ۱۴ امام حسین^(ع) نیز به جمع یگان‌های قبلی اضافه شدند، با این حال فرمانده سپاه با در نظر گرفتن حساسیت دشمن نسبت به منطقه‌ی عملیاتی بیت‌المقدس ۲، مایل به ترک فعالیت در این منطقه نبود، لذا تصمیم گرفت عملیاتی محدود روی ارتفاع گوجار اجرا شود و به یگان‌ها اعلام کرد که این عملیات برای تکمیل خط پدافندی منطقه‌ی عملیاتی بیت‌المقدس ۲ انجام می‌گیرد. سپاه در مجموع، از محدود شدن مانور در محور عملیاتی بیت‌المقدس ۲، چند هدف اساسی را دنبال می‌کرد: ۱. با توجه به محدودیت مانور، تعدادی از یگان‌های این منطقه آزاد شوند و کمبود توان اصلی در منطقه‌ی حلبچه جبران گردد. ۲. با حفظ تحرکات در منطقه‌ی عملیاتی بیت‌المقدس ۲ این منطقه همچنان به عنوان یک منطقه‌ی اصلی در ذهن برای دشمن باقی بماند. ۳. سازمان و امکانات موجود برای تکمیل یا احداث جاده‌های محور حلبچه به کار گرفته شوند،

و حلبچه به ارتفاع سورن رفتند و منطقه را مورد بازدید قرار دادند. با توجه به تصمیم‌گیری‌های جلسه‌ی قبل و انتقال آن به آقای هاشمی، پیش‌بینی می‌شد منطقه‌ی عملیاتی بیت‌المقدس ۲ برای تداوم عملیات انتخاب شود. به همین دلیل، درباره‌ی منطقه‌ی حلبچه جدی صحبت نمی‌شد این امر سبب شد فرمانده کل سپاه با برگزاری دو جلسه با چند فرمانده یگان، از حلبچه به عنوان منطقه‌ی دوم نام برده و به ویژگی‌های آن پردازد. سیر مباحث مطرح شده در جلسات اخیر نشان می‌داد که منطقه‌ی حلبچه به تدریج در حال تبدیل شدن به منطقه‌ی اصلی برای ادامه‌ی عملیات بیت‌المقدس ۲ است، و دیری نگذشت که این منطقه برای تداوم این عملیات انتخاب شد. بدین ترتیب، لشکرهای ۲۵ کربلا، ۴۱ ثارالله و ۱۹ فجر به سرعت وارد منطقه شدند. لشکر ۳۳ نیز به آن‌ها افزوده شد و محور حساس تنگه (دریاچه‌ی ملخور) به لشکرهای نامبرده سپرده شد. با توجه به اهمیت منطقه‌ی کنار دریاچه‌ی دربندیخان در سمت ارتفاع شاخ دارزین "در جنوب غربی دشت زور" و

با توجه به مباحث مطرح شده، آقای هاشمی به این نتیجه رسید که فرماندهان سپاه می‌کوشند محور اصلی عملیات را منطقه‌ی حلبچه قرار دهند و قصد دارند در منطقه‌ی بیت‌المقدس ۲ تنها به اجرای عملیات محدودی بسنده کنند. به همین دلیل، ایشان با بیان اهمیت ادامه‌ی عملیات در منطقه‌ی بیت‌المقدس ۲، با تغییر محور عملیات مخالفت و بر اجرای عملیات در محور بیت‌المقدس ۲ پافشاری کرد. با توجه به اختلاف نظر بر سر محور اصلی عملیات، ادامه‌ی جلسه به بعد از نماز مغرب و عشا موکل شد تا نتیجه مشخصی حاصل شود. این بار آقای هاشمی در ابتدای جلسه با وجود تأکیدهای قبلی خود مبنی بر اصلی شمردن منطقه‌ی عملیاتی بیت‌المقدس ۲ گفت: من حرفی ندارم به هر جهت شما در این زمینه صاحب نظر هستید، چرا من مقاومت کنم، حرفی ندارم که عملیات منطقه‌ی بیت‌المقدس ۲ را محدود به تصرف گوجار کنید و نیروهای اضافه را برای تقویت در منطقه‌ی عملیاتی حلبچه به کار بگیرید.

بدین ترتیب، با محدود شدن عملیات بیت‌المقدس ۲ و با توجه به معضلاتی که برای اجرای عملیات در جنوب (فاو) وجود داشت، منطقه‌ی عمومی حلبچه و سد دربندیخان برای اجرای عملیات انتخاب شدند. فرمانده عالی جنگ نیز که قبلاً با به کارگیری یگان‌های دیگر در این منطقه مخالفت می‌کرد، این بار بدون بیان نکته‌یی در این زمینه، با این موضوع موافقت کرد. با محدود شدن عملیات در منطقه‌ی بیت‌المقدس ۲، مسئولیت این محور به قرارگاه نجف (نورعلی شوشتری) داده شد و با انتخاب محسن رضایی، علی شمخانی و رحیم صفوی به فرماندهی سه محور اصلی عملیات در منطقه‌ی حلبچه، همه‌ی توجه و توان سپاه به این منطقه معطوف شد.^(۷)

چرا که با افزایش توان مهندسی این کار با سرعت عمل بیش‌تری انجام می‌گرفت. در واقع با به کارگیری این تدبیر علاوه بر اجرای عملیاتی محدود در منطقه‌ی عملیاتی بیت‌المقدس ۲، ذهن دشمن نیز در منطقه‌ی اصلی عملیات (حلبچه) منحرف می‌شد.^(۶) در پی بازگشت فرمانده سپاه از منطقه‌ی عملیاتی بیت‌المقدس ۲، آقای هاشمی رفسنجانی* بار دیگر به این منطقه آمد و با استقرار در قرارگاه شهید داودآبادی پی‌گیر چگونگی اجرای تصمیمات جلسه‌ی گذشته شد. مسئولان سپاه در جلسه‌ی با ایشان با ارائه‌ی گزارشی از آخرین تصمیم‌گیری‌ها، موضوع فرعی شدن عملیات در منطقه‌ی بیت‌المقدس ۲ را با ایشان

مطرح کردند و متذکر شدند با توجه به وضعیت کنونی، تنها می‌توان عملیات محدودی روی ارتفاع گوجار اجرا کرد. محسن رضایی نیز ضمن توضیحاتی در مورد تخریب جاده و پل گرده‌رش به تشریح تهاجم اخیر عراق به مناطق تحت اختیار اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق (طالبانی‌ها) و حضور گسترده‌ی نیروهای دشمن در این منطقه پرداخت و گفت: بعد از این‌که

ما رفتیم روی الاغلو و دولبشک و دیدیم که احتمال دارد که تا ما بیاییم آماده شویم و حمله کنیم دشمن خودش را جمع کند و نتوانیم پیشرفتی داشته باشیم، علی‌رغم این‌که ما این‌جا [دربندیخان و حلبچه] یک عملیات محدودی را تقویت کرده بودیم، آن عملیات بیت‌المقدس ۲ را متوقف کردیم، تا این‌جا با یک توانی عمل کنیم و بتوانیم بمانیم و خدای نکرده برنگردیم. به همین دلیل تصمیم گرفته شد که ما منطقه‌ی عمومی دربندیخان [حلبچه] را آماده کنیم برای عملیات.

آقای هاشمی به این نتیجه رسید که فرماندهان سپاه می‌کوشند محور اصلی عملیات را منطقه‌ی حلبچه قرار دهند و قصد دارند در منطقه‌ی بیت‌المقدس ۲ تنها به اجرای عملیات محدودی بسنده کنند. لذا با تغییر محور عملیات مخالفت و بر اجرای عملیات در محور بیت‌المقدس ۲ پافشاری کرد

* آقای هاشمی رفسنجانی قبلاً در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۶۷ در قرارگاه شهید بروجردی حاضر شده و با فرماندهان سپاه پاسداران درباره ادامه عملیات بیت‌المقدس ۲ در ارتفاعات گوجار، دولبشک و الاغلو مشورت کرده بود. در این جلسه برادران حسن روحانی، محسن رضایی، رحیم صفوی و ابراهیم سنجقی حضور داشتند.

جغرافیای منطقه

سرآوا، پل اماجنامن، پل حاجی ورفه و پل خاکی خول. مهم‌ترین شهرهای عراق در این منطقه به ترتیب وسعت و اهمیت شامل حلبچه، خرمال، دجیله، طویله و بیاره هستند.

بالغ بر ۷۰ روستا در پهنه‌ی دشت زور وجود داشت که به دنبال سیاست حکومت عراق در مناطق آزاد شده مبنی بر محدود کردن مبارزه‌ی اکراد، ویران شدند و تنها تعداد کمی از آن‌ها مسکونی هستند.^(۸)

اقدامات انجام شده برای آمادگی عملیات

اقدامات لازم به منظور آمادگی برای اجرای عملیات در منطقه‌ی عمومی حلبچه و دریاچه‌ی دربندیخان از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، اما با توقف عملیات در منطقه‌ی بیت‌المقدس ۲ بیش‌تر به این منطقه توجه شد. از این پس، علاوه بر فعالیت‌های مهندسی که با حضور گسترده‌ی برادران جهاد و یگان‌هایی از مهندسی سپاه، سرعت بیش‌تری یافته بود، تا قبل از شروع عملیات اقدامات دیگری از جمله استقرار یگان‌ها در منطقه‌ی عملیات، طراحی مانور عملیات، شناسایی منطقه‌ی عملیات و تحویل گرفتن خطوط پدافندی از ارتش و ... و سپردن آن به یگان‌های عملیاتی انجام شد که به اختصار بدان اشاره می‌شود.

مهندسی

اجرای فعالیت‌های مهندسی به نحو احسن با توجه به کوهستانی بودن منطقه‌ی عملیات، سرمای شدید هوا و برف فراوان اهمیت بسیاری داشت. نیروی مهندسی متشکل از یگان‌های جهاد و سپاه مأموریت یافت تا جاده‌های موجود را برف‌روبی و سپس ترمیم و تعریض کند. علاوه بر آن، احداث مواضع توپ‌خانه، آماده کردن عقبه، استقرار یگان‌ها، مراکز درمانی (بیمارستان و اورژانس) و ... را نیز عهده‌دار شد. بدین منظور، نیروهای جهاد به استعداد ۴ گردان مهندسی در محور سورن و ۵ گردان در

دشت وسیع حلبچه در ارتفاعی حدود ۵۰۰ متر از سطح دریا واقع شده است. در غرب این منطقه دریاچه‌ی بزرگ دربندیخان، در شرق ارتفاعات سر به فلک کشیده‌ی زاگرس - که از شمال به جنوب شامل سورن، چناره، خورنوازان، هنی‌قل، دالانی و کمانجر، شنام و ۵ قله هستند - و در جنوب آن نیز ارتفاعات عظیم بالامبو، شیندروی و تمورژنان قرار دارد. ارتفاعات شاخ سورمر و شاخ شمیران در جنوب دریاچه‌ی دربندیخان بخشی از عوارض طبیعی این منطقه هستند. خط مرزی ایران و عراق نیز از ارتفاعات سورن (شمال به جنوب) ادامه یافته، در محور ۵ قله و گاوکش به طرف غرب تغییر مسیر داده و مجدد در جنوب ارتفاع بالامبو به سمت جنوب امتداد یافته است. همچنین شیارهایی در این منطقه وجود دارد که هرکدام نقش مؤثری در اختفای نیروهای خودی داشتند و حتی از آن‌ها به عنوان معابر وصولی نیز استفاده شده بود. از جمله‌ی این شیارها می‌توان از دره‌ی گلان، شیار زلم، شیار سورمر، شیار سازان، دره‌ی خورنوازان، شیار بالای روستای خوی و شیار و شکنو نام برد.

از عمده‌ترین تأسیسات اقتصادی منطقه دریاچه پشت سد دربندیخان است که علاوه بر پرورش ماهی و کشاورزی، در تأمین برق قسمت وسیعی از عراق نیز نقش مهمی دارد. تأسیسات نظامی دشمن در این منطقه عبارت‌اند از: پادگان حلبچه که دارای پد آسفالتی هلی‌کوپتر است، پادگان لشکر ۲۷ ارتش عراق در کانی‌مانگا، مقر فرماندهی دفاع‌الوطنی سپاه یکم واقع در منطقه‌ی رود اژه و پایگاه‌های موشکی سام ۲ و سام ۷. جاده‌ی سیدصادق - خرمال - حلبچه، جاده‌ی حلبچه - طویله - نوسود، جاده‌ی اربت - سیدصادق و جاده‌ی اربت - دربندیخان - خرمال نیز از جمله راه‌های ارتباطی دشمن در این منطقه هستند. پل‌های این منطقه نیز عبارت‌اند از: پل زلم، پل ملاویسی، پل

استقرار یگان‌ها در منطقه‌ی عملیات

با توجه به این که از چندی پیش، طرح عملیات محدودی در محور گوزیل - دشت‌سازان در دست اقدام بود، یگان‌های لشکر ۹ بدر، تیپ ۸۲ صاحب‌الامر^(عج) (قزوین)، تیپ انصارالمهدی^(عج) (زنجان) و تیپ ۲۹ نبی اکرم^(ص) سپاه پاسداران در منطقه حضور داشتند. با اصلی شدن محور عمومی حلبچه، این یگان‌ها و لشکرهای ۸ نجف، ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۱ امیرالمومنین^(ع) و تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(ع) و ۹۱ بقیه‌الله^(عج) برای استقرار در محور جنوبی عملیات در نظر گرفته شدند. در قسمت شمالی عملیات در محور دزلی - خرمال نیز لشکرهای ۲۵ کربلا، ۴۱ ثارالله، ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع)، ۱۹ فجر و تیپ بیت المقدس و لشکر ۷ ولی عصر^(عج) و تیپ ۳۳ المهدی^(عج) استقرار یافتند.^(۱۰) عقبه‌های محور جنوبی را باختران - پاره، باختران - سرپل ذهاب و باختران - جوانرود و عقبه‌های محور شمالی را سنندج - مریوان و دزلی تشکیل می‌داد. کمبود جا و نبود مکان مناسب و کافی در باختران و سنندج برای استقرار عقبه‌ی اصلی یگان‌ها و امکانات لشکر و نیروها، مهم‌ترین معضل یگان‌های محور جنوبی محسوب می‌شد. حل این مشکل از توان سپاه نیز خارج بود و حتی با اعزام هیئت‌هایی از ستاد پشتیبانی جنگ کشور به منطقه، مشکلی حل نشد. تا آن‌جا که یگان‌ها مجبور به اجاره‌ی مرغداری، قهوه‌خانه و... شدند و برخی از لشکرهای قرارگاه قدس ناگزیر ساختمان‌هایی از پادگان‌های ارتش را اشغال کردند. این مشکل در محور شمالی به دلیل سرمای شدید و وجود برف و باران شدیدتر بود. به همین دلیل یگان‌ها بیش‌تر عقبه‌های خود را در چادر مستقر کردند و در نهایت مجبور شدند بخشی از امکانات و تجهیزات مورد نیاز خود را به مناطق نزدیک منتقل کنند.^(۱۱)

محور جنوبی عملیات (گوزیل و بالامبو) و نیروهای سپاه با یک لشکر منهای مهندسی در محور جنوبی و یک لشکر و یک تیپ در محور شمالی (سورن) با نظارت فرمانده کل، فرماندهان یگان‌های عملیاتی و همچنین قرارگاه مهندسی خاتم به فعالیت پرداختند. فعالیت‌های مهندسی با توجه به کوهستانی بودن منطقه، فصل زمستان، سرمای شدید و برف فراوان به سختی اما مستمر انجام شد. برای مثال، روی دو جاده که یکی به طرف قلعه سورن و دیگری به سمت جاده‌ی دزلی می‌بایست برف‌روبی می‌شد، نزدیک به ۲ متر برف نشسته بود و این

نیروهای جهاد به استعداد ۴ گردان مهندسی در محور سورن و ۵ گردان در محور جنوبی عملیات (گوزیل و بالامبو) و نیروهای سپاه با یک لشکر منهای مهندسی در محور جنوبی و یک لشکر و یک تیپ در محور شمالی (سورن) با نظارت فرمانده کل، فرماندهان یگان‌های عملیاتی و همچنین قرارگاه مهندسی خاتم به فعالیت پرداختند

میزان بر اثر بارش پی در پی و شدید برف همچنان بیش‌تر می‌شد، تا جایی که چندبار راه بلدوزر پس از برف‌روبی مسدود شد. احداث عقبه‌ها، سنگرهای سوله‌یی و بتونی یگان‌ها نیز به دلیل شدت بارش برف و باتلاقی بودن مناطق با مشکلات بسیاری مواجه بود و در اغلب موارد انجام نمی‌شد. بارش باران هم بعضی مواقع آن قدر شدید بود که هر ۲ ساعت یک بار راننده لودر یا بلدوزر می‌بایست لباس‌های خود را تعویض می‌کرد. با وجود این همه مشکل، احداث عقبه‌ها و برف‌روبی جاده‌ها به طور عادی انجام می‌شد. در این میان، میزان پیشرفت در احداث جاده‌ی ملخور به داخل شیار زلم که عقبه‌ی اصلی یگان‌های عمل کننده تحت امر قرارگاه قدس در محور ملخور و تنگه‌ی خرمال به شمار می‌رفت، بسیار مهم بود و آماده شدن آن بر کل عملیات تأثیر می‌گذاشت. به عبارت دیگر احداث به موقع این جاده از شروط آغاز عملیات محسوب می‌شد.^(۹)

* دلیل اصلی تأخیر در عملیات والفجر ۱۰، دیر آماده شدن جاده‌ی مورد نظر بود.

شناسایی منطقه‌ی عملیات

در پی استقرار یگان‌ها در محورهای تعیین شده، کار شناسایی نیز به موازات اقدامات دیگر آغاز شد. موقعیت زمین در محور شمالی به گونه‌ی بود که نیروهای خودی دید و تسلط خوبی بر دشت وسیع حلبچه و دریاچه دربندیخان داشتند. علاوه بر این، تیپ ۷۵ ظفر از قرارگاه رمضان نیز کمک بسیاری به حضور نیروهای شناسایی در عمق منطقه‌ی دشمن می‌کرد. بدین ترتیب، یگان‌ها با دیدبانی در محور شمالی و محور جنوبی عملیات، شناسایی عمق منطقه با کمک گروه‌های معارض عراقی منطقه‌ی عمومی حلبچه و هم‌کاری و هماهنگی تیپ ۷۵ ظفر از قرارگاه رمضان اطلاعات دقیقی از وضعیت زمین، جاده‌ها، مواضع عمقی دشمن، مواضع توپ‌خانه و ... به دست آوردند. علاوه بر این، شناسایی اهداف مورد نظر در خط دشمن، پایگاه‌ها و قلعه‌ها نیز انجام شد و یگان‌ها موفق شدند معابر را تعیین کنند. در مجموع، در عملیات والفجر ۱۰، مشکل چندانی در امر شناسایی منطقه به وجود نیامد، زیرا اطلاعات کافی و مناسبی درباره‌ی وضعیت زمین منطقه در دست بود.^(۱۲)

اهداف و طراحی عملیات

در عملیات والفجر ۱۰ علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده‌ی نظامی نیز مورد نظر بود:

۱. آزادسازی شهرهای حلبچه، خرمال، دجیله، بیاره و طویله.
 ۲. فراهم‌سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان.
 ۳. مسدود کردن عقبه‌ی اصلی استان سلیمانیه.^(۱۳)
- وضعیت زمین و جغرافیای منطقه‌ی عمومی حلبچه به گونه‌ی است که به طور طبیعی مانور مشخصی را می‌توان آن‌جا اجرا کرد. بر این اساس، از همان ابتدا دو بازوی اصلی برای عملیات در نظر گرفته شد:
- محور ملخور به طرف خرمال. (به منظور بستن تنگه‌ی خرمال)

- محور غرب بالامبو و امتداد تمورژنان و تصرف سرپل احتمالی در کمر دریاچه‌ی دربندیخان. سپس مقرر شد دو بازو در ساحل شرقی دریاچه با یکدیگر الحاق کنند. با این اقدام همه‌ی قوای دشمن در دشت زور محاصره می‌شدند.
- از انتهای شمال شرقی دریاچه‌ی دربندیخان تا ارتفاعات سورن تنگه‌ی به عرض ۱۰ کیلومتر تشکیل شده بود. به دلیل وضعیت خاص زمین‌های کشاورزی و مزارع این منطقه، انتقال نیروها و تجهیزات نظامی تنها از جاده‌های محدود این منطقه ممکن بود. به همین دلیل، پل‌های موجود در مسیر

این جاده‌ها شامل پل گردکو و پل ملاویسی در مسیر جاده‌ی سیدصادق به طرف دجیله اهمیت بسیاری داشتند. بستن این تنگه و تصرف پل گردکو که عقبه‌ی اصلی دشمن در کل منطقه محسوب می‌شد، به منزله‌ی یکی از اهداف اساسی عملیات مد نظر بود که مأموریت آن بر عهده‌ی قرارگاه قدس قرار گرفت تا با بهره‌گیری از معبر ملخور و یگان‌های موجود این تنگه

بارش باران هم بعضی مواقع آن قدر شدید بود که هر ۲ ساعت یک بار راننده لودر یا بلدوزر می‌بایست لباس‌های خود را تعویض می‌کرد. با وجود این همه مشکل، احداث عقبه‌ها و برف‌روبی جاده‌ها به طور عادی انجام می‌شد

را مسدود کند. قرارگاه فتح (بازوی جنوبی) نیز علاوه بر الحاق با قرارگاه قدس در حاشیه‌ی شرقی دریاچه، مأموریت یافت کمر دریاچه (دارزین - نلرش) که احتمال داشت دشمن به سرعت روی آن پل احداث کند (به دلیل وجود جاده‌ی آسفالتی) را تأمین و تصرف کند. تصرف ارتفاعات مرزی سورمر و تپه‌های شرق آن تا کنار آبراه منتهی به دریاچه در دستور کار قرار گرفت. علاوه بر دو فلش فوق، فلشی دیگر در محور گوزیل - دشت‌سازان به طرف حلبچه مورد نظر بود. این فلش به عهده‌ی قرارگاه

کر بلا ۱۰ گردان، لشکر ۱۹ فجر ۶ گردان، لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع) ۶ گردان، لشکر ۴۱ ثارالله ۷ گردان و تیپ ۳۹ بیت المقدس ۴ گردان.

قرارگاه فتح شامل: لشکر ۸ نجف اشرف ۵ گردان، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) ۵ گردان، تیپ ۸۲ صاحب الامر^(عج) ۳ گردان، تیپ ۱۹ بقیه الله^(عج) ۳ گردان، تیپ ۴۴ قمرینی هاشم^(ع) ۳ گردان، تیپ ۱۱ امیرالمؤمنین^(ع) ۴ گردان و تیپ انصارالرسول^(ص) ۳ گردان.

قرارگاه کاظمین (ثامن الائمه^(ع)) شامل: لشکر ۹ بدر ۸ گردان، تیپ ۲۶ انصارالمهدی^(عج) ۴ گردان، تیپ ۷۵ ظفر با ۲ گردان، تیپ ۲۹ نبی اکرم^(ص) ۶ گردان، تیپ ویژه شهدا ۶ گردان، سپاه چهارم ۶ گردان.^(۱۵)

ثامن الائمه^(ع) قرار گرفت تا ارتفاعات وسیع شرقی بلامبو (مگر)، دشت سازان، ارتفاعات شیندروی و ... را تصرف و در محور گوزیل - دشت سازان به طرف شهر حلبچه پیشروی کند و در مرحله دوم جاده‌ی بیاره - طویله - نوسود را به تصرف درآورد. همچنین اجرای یکسری اقدام نامنظم و وارد آوردن ضرباتی به عقبه‌ها و جاده‌های دشمن به قرارگاه رمضان واگذار شد. مرحله‌بندی عملیات یکی از مسائل مهمی بود که بخشی از مباحث طرح مانور را به خود اختصاص داده بود. در پیش فرض‌های موجود ۱ تا ۳ مرحله برای اجرای عملیات مطرح شده بود. وجه مطلوب عملیات برای جلوگیری از هوشیاری

دشمن درباره‌ی سمت اصلی حمله، اجرای عملیات در یک مرحله بود، اما مشکلات موجود در اتصال جاده از ملخور و شیار زلم به شهر خرمال مانع تحقق این امر می‌شد. به همین دلیل، پس از آن‌که قرار شد عملیات در دو مرحله انجام شود، کاهش فاصله‌ی زمانی بین مرحله‌ی اول و دوم مورد تأکید و توافق همه‌ی فرماندهان قرار گرفت.^(۱۴)



نقشه عملیات والفجر ۱۰

سازمان رزم

عملیات با به کارگیری ۳ قرارگاه، ۱۰ لشکر و ۱۳ تیپ با استعداد ۵۰ درصد در قالب ۱۰۳ گردان طراحی شد. اسامی قرارگاه‌ها، یگان‌ها و استعداد هر یک از آنها چنین است:

قرارگاه قدس شامل: لشکر ۷ ولی عصر^(عج) ۶ گردان، لشکر ۳۳ المهدی^(عج) ۶ گردان، لشکر ۲۵

عقبه - جاده

نقش تیپ ۷۵ ظفر از قرارگاه رمضان و ارتش

الف: تیپ ۷۵ ظفر - نقش و عملکرد در عملیات

بخش اصلی قرارگاه رمضان و تشکیلات فرماندهی آن، به دلیل حساسیت محور شمال شرقی سلیمانیه و اجرای مأموریت در محور بیت المقدس ۲، در آن مناطق فعال بود، اما تیپ ۷۵ ظفر این قرارگاه که از مدت‌ها قبل در منطقه‌ی عمومی مریوان - پاوه حضور داشت، به نمایندگی از آن قرارگاه در منطقه‌ی عملیاتی حلبچه به فعالیت پرداخت. استعداد این تیپ شامل ۱۹۰ نفر در محور پاوه (که ۱۰۰ نفر از آن‌ها جزو نیروهای کمیته‌ی سنندج بودند) و حدود ۲ گردان ۶۰ و ۷۵ نفره در محور دزلی بود. گفتنی است به کارگیری گروه‌های اتحادیه‌ی میهنی، حزب دمکرات

کردستان عراق، حرکت اسلامی، حرکت الانصار و حزب سوسیالیست در برنامه‌های این تیپ قرار داشت. همچنین با توجه به توانایی‌های بالفعل تیپ ۷۵ ظفر و آشنایی‌اش به منطقه‌ی حلبچه، سابقه‌ی حضور آن‌ها در منطقه عمومی دشت زور و ... مأموریت‌هایی شامل: کمک به یگان‌های منظم در امر شناسایی عمق منطقه‌ی دشمن و انتقال

پی‌گیری‌ها و اقدامات تا قبل از شروع عملیات، بیش‌تر بر چگونگی احداث جاده متمرکز بود و با وجود مشکلات فراوانی چون سرما و کمبود امکانات، احداث چند جاده در محور شمالی و جنوبی عملیات در دستور کار قرار گرفت. محدود بودن احداث بیش‌تر این جاده‌ها تا قبل از عملیات مشخص بود و ادامه‌ی ساخت آن‌ها به آغاز عملیات موکول شد. اتصال این جاده‌ها به جاده‌های دشمن، به ۴۸ ساعت یا یک هفته زمان احتیاج داشت. در میان جاده‌های مذکور، جاده‌ی ملخور به دلیل حساسیت تنگه‌ی خرمال اهمیت بیش‌تری داشت. با شروع عملیات و پیشروی یگان‌ها در محور جنوبی، نیروهای این محور با مشکلات بسیاری در جاده‌ها مواجه شدند، زیرا جاده‌های این محور کیفیت مناسبی نداشتند. در محور شمالی نیز، جاده‌ها به دلیل کیفیت نامطلوب، جوابگوی حجم گسترده‌ی تردد نیروها نبودند، طوری که در چند روز اول عملیات، تعدادی تانک، نفربر و خودرو به دره سقوط کرد. به همین دلیل، برای حل این مشکل، به خصوص در محور بالامبو و شیندروی از هوانیروز استفاده شد. در حالی که جاده‌ی چناره و ملخور و جاده‌ی محور گوزیل چند روز بعد از شروع عملیات با کیفیتی پایین به منطقه‌ی عملیات وصل شده بود، جاده‌ی مناسب و باکیفیت نوسود - بیاره با وجود پیش‌بینی‌های قبل از عملیات، زودتر از موعد مقرر و قبل از کامل شدن جاده‌های دیگر باز شد و یگان‌های محور شمالی و جنوبی با استقرار در امتداد این جاده، عقبه‌های خود را به طور مستقیم از باختران در مسیر این جاده قرار دادند. در پی این اقدام، بسیاری از جاده‌ها قبل از احداث کامل کارایی خود را از دست دادند. به عبارت دیگر، به دنبال باز شدن جاده‌ی نوسود جاده‌ی گوزیل - دشت‌سازان و جاده‌ی ملخور که قبل از عملیات توجه همه را به خود معطوف کرده بود، دیگر کارایی چندانی نداشت.^(۱۶)

کمبود جا و نبود مکان مناسب و کافی در باختران و سنندج برای استقرار عقبه‌ی اصلی یگان‌ها و امکانات لشکر و نیروها، مهم‌ترین معضل یگان‌های محور جنوبی محسوب می‌شد

دیدبان‌های توپ‌خانه به آن جا به این تیپ واگذار شد. عملیات‌های پیش‌بینی شده برای تیپ ۷۵ ظفر قرارگاه رمضان نیز عبارت بودند از: تصرف توپ‌خانه دشمن در دالامار (جنوب شرقی حلبچه)، تصرف شهر حلبچه و پادگان آن، تصرف پادگان زمقی در شمال شهر حلبچه، ناامن کردن جاده‌های مهم سیدصاق به ملاویسی و پل گردکو، کمک به انفجار پل ملاویسی و پل گردکو، منهدم کردن توپ‌خانه‌ی قلرخ (با ۱۸ توپ ۱۳۰ م.م)، ورود به

شهرهای سیدصادق، دجیله (سیروان) و ناامن کردن آن و مین‌گذاری بعضی جاده‌ها. این تیپ قبل از آغاز عملیات والفجر ۱۰، در امر شناسایی به کمک یگان‌ها شتافت و در بیش از ۴۰ مورد با فرستادن راهنما آن‌ها را یاری کرد. همچنین با کمک تیپ ۷۵ ظفر تیم‌های دیدبانی به داخل مواضع دشمن نفوذ یافتند، اگر چه در طول عملیات والفجر ۱۰ موفقیت چندانی کسب نکردند و تنها موفق به منفجر کردن پمپ بنزین شهر حلبچه شدند که دلیل آن عدم همکاری مناسب گروه‌های معارض عراقی با آن‌ها بود. مسئولان تیپ ۷۵ ظفر بعد از تصرف شهر حلبچه در جهت کنترل شهر، سامان‌دهی امور و ... عملکرد خوبی داشتند.^(۱۷)

پی‌گیری‌ها و اقدامات تا قبل از شروع عملیات، بیش‌تر بر چگونگی احداث جاده متمرکز بود و با وجود مشکلات فراوانی چون سرما و کمبود امکانات، احداث چند جاده در محور شمالی و جنوبی عملیات در دستور کار قرار گرفت

ب: ارتش در عملیات والفجر ۱۰

• ارتش: طبق هماهنگی‌های انجام شده با لشکر ۲۸ کردستان، قرار شد با استفاده از امکانات و تجهیزات نظامی ارتش که در منطقه‌ی مریوان قرار داشت، حجم آتش عملیات والفجر ۱۰ افزایش یابد. بدین ترتیب، فرمانده لشکر کردستان و

جانشین نیروی زمینی ارتش متعهد شدند آتشبارهای ۱۰۵، ۱۳۰ و ۲ قبضه ۲۰۳ و مهمات توپ‌خانه‌ی اتریشی در اختیار نیروهای عمل‌کننده قرار دهند، اما به هنگام عملیات تنها ۱۷ قبضه ۱۳۰ در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

• هوانیروز: نیروهای هوانیروز تا شب عملیات در محور مریوان فعالیت می‌کردند و از صبح روز عملیات در محور جنوبی فعال شدند. هوانیروز متعهد شده بود برای هر محور استعدادی در حدود

۱۰ فروند ۲۱۴، ۲ فروند شنوک و ۲ تیم آتش فراهم کند. به طور کلی، گروه مسجد سلیمان هوانیروز در محور قرارگاه قدس با ۷ فروند ۲۱۴، ۲ فروند ۲۰۹ و یک فروند ۲۰۶ و در محور جنوبی گروه اصفهان با به کارگیری ۷ فروند ۲۱۴، ۵ فروند ۲۰۹، یک فروند ۲۰۶ و ۴ فروند شنوک آماده‌ی اجرای عملیات شدند. مأموریت پشتیبانی آتش هوانیروز در این عملیات با وجود عملکرد مثبتش در عملیات‌های گذشته، چندان زیاد نبود و صرفاً با بهره‌گیری از ۲ هلی‌کوپتر کبری به چند مأموریت محدود اکتفا شد، البته فعالیت‌های این نیرو در امر تخلیه‌ی مجروحان و مردم حلبچه، انتقال نیرو و امکانات و ... بسیار فراوان بود. گزارش هوانیروز درباره‌ی فعالیت‌ها، خسارات و تلفات این نیرو در عملیات والفجر ۱۰ چنین است: هوانیروز با اجرای ۵۱۸ سورتی پرواز (در مجموع ۲۵۸ ساعت) موفق به انتقال ۱۳۶۹ رزمنده و تخلیه‌ی ۸۰۸ مجروح و ۳۲۳ تن بار شد. همچنین در این عملیات ۷ هلی‌کوپتر بر اثر بمباران‌های دشمن آسیب دید و از کار افتاد و در مجموع، ۳ نفر شهید و ۶ تن مجروح شدند.

• نیروی هوایی: نیروی هوایی در عملیات والفجر ۱۰، در زمینه‌ی بمباران مواضع ارتش عراق و پشتیبانی رزمنده‌گان بسیار فعال عمل کرد، طوری که بلافاصله پس از دستور فرماندهی، جنگنده‌های نیروی هوایی بر فراز آسمان منطقه‌ی عملیاتی ظاهر شدند و اهداف مورد نظر را بمباران کردند. عملیات‌های مهیج و متهوران‌ه‌ی خلبانان نیروی هوایی، تأثیر بسیاری در تقویت روحیه‌ی نیروهای رزمنده داشت. بمباران مواضع دشمن در طول یک روز عملیاتی، به طور پی در پی و با درخواست فرماندهی انجام می‌گرفت و در برخی موارد مهم و حساس، سرهنگ مصطفی اردستانی فرمانده عملیات نیروی هوایی ارتش، شخصاً مواضع دشمن را بمباران می‌کرد. وی نقش مؤثری در فعال کردن نیروی هوایی داشت.

حضور در قرارگاه شهید مطهری، دائم و از طرق گوناگون (بیک، تلفن و حتی حضور موقت روی ارتفاع ملخور) در جریان عملیات قرار می‌گرفت. وی به محض الحاق قرارگاه‌های قدس و فتح با یکدیگر به پیروزی عملیات امیدوار شد و منطقه را ترک کرد. با توجه به حساسیت و اهمیت محور قرارگاه قدس، محسن رضایی فرمانده کل سپاه در محور شمالی عملیات (دزلی) روی ارتفاعات سورن (ملخور) مستقر شد و در محور میانی رحیم صفوی جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه هدایت قرارگاه ثامن الائمه^(ع) را در کنار حمزه حمیدنیا بر عهده گرفت. در محور جنوبی عملیات نیز علی شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه در کنار برادر احمد کاظمی در قرارگاه فتح حضور یافت.^(۱۹) اسامی فرماندهان یگان‌های شرکت کننده در عملیات والفجر ۱۰ به ترتیب قرارگاه چنین بود:

قرار بود با شروع عملیات والفجر ۱۰، یک سایت موشک ضد هوایی هاگ در منطقه‌ی مریوان - دزلی فعال شود، اما این اقدام در ۲۷ اسفند ۱۳۶۶ یعنی ۵ روز بعد از آغاز عملیات انجام شد. دوری سایت هاگ از منطقه‌ی عملیاتی موجب شد کارایی این سایت کاهش یابد. علاوه بر این در روز دوم فعالیت سایت، دشمن آن‌جا را شناسایی و هدف حمله قرار داد. پس از این واقعه، سایت هاگ به منطقه‌ی در جنوب بیاره انتقال یافت و با از سرگیری فعالیت‌های خود، چند هواپیمای عراقی را ساقط کرد.^(۱۸)

فرماندهی و هدایت عملیات

آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ که در جلسات متعدد تصمیم‌گیری برای این عملیات شرکت داشت، یک روز قبل از آغاز عملیات به مریوان رفت و با

قرارگاه قدس	قرارگاه ثامن الائمه ^(ع)	قرارگاه فتح
لشکر ۷ ولی عصر ^(عج) : مهدی کیانی	لشکر ۵۵ ویژه شهدا: محمد منصوری	لشکر ۸ نجف: احمد کاظمی
لشکر ۳۳ المهدی: جعفر اسدی	لشکر ۹ بدر: محمدرضا نقدی (شمس)	لشکر ۱۴ امام حسین ^(ع) : علی زاهدی
لشکر ۲۵ کربلا: مرتضی قربانی	تیپ ۳۶ انصارالمهدی: محمود عباسی	لشکر ۱۱ امیرالمومنین ^(ع) : محمد کرمی
لشکر ۱۹ فجر: نبی رودکی	تیپ ۲۹ نبی اکرم ^(ص) : اسدالله ناصح	لشکر ۵۷ ابوالفضل ^(ع) : محمد نوری
لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب: غلامرضا جعفری	تیپ ۷۷ نبوت: حاج بابایی	تیپ ۸۲ صاحب الامر ^(عج) : عبدالله عراقی
لشکر ۴۱ ثارالله: قاسم سلیمانی	تیپ ۷۵ ظفر: محمد مقدم	تیپ ۹۱ بقیةالله: علی اسحاقی
تیپ ۳۹ بیت المقدس: عابد	تیپ حمزه‌ی سیدالشهدا: اویس قهاری	تیپ ۴۴ قمر: علی صبوری
	تیپ مقداد: خلیل حسینی	تیپ ۱۰۰ انصارالرسول: رضا عظیمی
	تیپ میثم: خلیل کیانی	
	تیپ مسلم بن عقیل: رضا شاه‌ویسی	
	تیپ ابوذر: اصغر شفیعی	

آخرین آمادگی‌ها

جنوبی را پشتیبانی می‌کرد، خبری نشد.^{**} در منطقه‌ی قرارگاه قدس نیز بیمارستان محور دزلی هنوز آماده نشده بود که به ناچار از بیمارستانی در نزدیکی مریوان استفاده شد. البته بیمارستان و مراکز درمانی در محور جنوبی کاملاً آماده‌ی خدمات رسانی بودند.^{**} در ضمن تا شب عملیات سایت موشک ضدهوایی هاگ هنوز به منطقه انتقال نیافته بود. توپ‌خانه‌ی سپاه نیز به تدریج پای کار آمد و قرار بود برخی نیازمندی‌های توپ‌خانه را نیروی زمینی ارتش تأمین کند که این امر به سهولت و سرعت انجام نشد. گروه هوانیروز ارتش هم که بخشی از پشتیبانی عملیات را بر عهده داشت، ۶ روز قبل از عملیات توجیه شده بود. بدین ترتیب، اقدامات لازم به منظور آمادگی برای اجرای عملیات در مدت ۲ ماه انجام گرفت و این در مقایسه با مدتی که در سال‌های گذشته برای این امر صرف می‌شد، بسیار مطلوب بود.^(۲۲)

شرح عملیات
مرحله‌ی اول

پس از بحث و بررسی درباره‌ی زمان آغاز عملیات والفجر ۱۰، در نهایت ساعت ۲ بامداد ۲۳ اسفند ۱۳۶۶ برای اجرای این عملیات انتخاب شد و بر اساس آن ۳۳ گردان از رزمندگان یگان تحت امر سه قرارگاه عملیاتی قدس، ثامن‌الائمه^(ع) و فتح سپاه پاسداران از محورهای گوناگون به سمت اهداف تعیین شده حرکت کردند. این گردان‌ها با توجه به میزان فاصله‌شان از اهداف، ساعات حرکت خود را متفاوت انتخاب کردند. به همین دلیل، عملیات بین ساعت‌های ۲ تا ۴ بامداد با رمز مبارک "یا

با فرارسیدن روز ۲۰ اسفند ۱۳۶۶، کمابیش همه چیز آماده بود و یگان‌ها پای کار رفته بودند، اما هنوز جاده‌ی ملخور به نقطه‌ی مورد نظر (عبور از شیار زلم) نرسیده بود. از آن‌جا که به دلیل بعد مسافت یگان‌ها می‌بایست نیروهای خود را ۱ تا ۲ ساعت زودتر به نقاط رهایی در نزدیکی دشمن انتقال می‌دادند، فرمانده کل سپاه پاسداران در تماس تلفنی با علی شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه، تعویق مجدد عملیات را (با وجود آمادگی صد در صد محور جنوبی) با ایشان در میان گذاشته و او این تصمیم را پذیرفت.^{*} بر این اساس، ۲۲ اسفند ۱۳۶۶ (شب بیست و سوم) برای شروع عملیات در نظر گرفته شد.^(۲۱) در این اوضاع، با وجود تأخیرهای متوالی عملیات، جاده‌ی ملخور همچنان پیشرفت لازم را نداشت. تعویق مجدد عملیات نیز دیگر ممکن نبود و فرماندهی اعتقاد داشت حتی در صورت آماده نشدن جاده در روز مورد نظر، باید عملیات انجام پذیرد. دلیل این امر، آمادگی محور جنوبی و افزایش احتمال هوشیاری دشمن بود. علاوه بر این، محور قرارگاه قدس نیز آمادگی کامل خود را اعلام کرده بود. بدین ترتیب، به جز جاده‌ی ملخور، کمابیش همه چیز برای اجرای عملیات مهیا بود. یگان‌ها با انتقال موج اول نیروهای خود در نزدیکی دشمن آماده‌ی عملیات بودند. توپ‌خانه و ادوات در مواضع خود آماده‌ی شلیک بودند و ... البته هوانیروز نسبت به سایر نیروها آمادگی کم‌تری داشت، اما تا قبل از غروب آفتاب، حدود ۶ فروند از مجموع هلی‌کوپترهای گروه مسجد سلیمان در مریوان مستقر شدند. منتها از گروه اصفهان که می‌بایست محور

* پس از قطعی شدن انجام عملیات در منطقه دشت زور در ابتدا روز ۱۰ اسفند ۱۳۶۶ به عنوان روز عملیات تعیین شد اما علیرغم قرارگاه ثامن‌الله^(ع) و قرارگاه فتح به دلیل آماده نشدن جاده ملخور در محور قرارگاه قدس، عملیات در چند نوبت به تعویق افتاد براساس گزارش مسئولین جهاد سازندگی درباره وجود صخره و سنگ‌های بزرگ در مسیر احداث جاده و برآورد آنان، زمان شروع عملیات در نهایت به روز بیستم فروردین موکول شد.
** این گروه صبح عملیات رسید و اقدامات لازم را برای پشتیبانی عملیات انجام داد.
*** به دلیل دیر آماده شدن بیمارستان قین سخت در ۹ اسفند ۱۳۶۶ تصمیم گرفته شد که بیمارستان شیخ‌صله تا حدودی مرمت و بازسازی شود و تا راه‌اندازی بیمارستان قین سخت - که تا دو هفته پس از عملیات هم آماده نشد- از آن‌جا استفاده گردد. این بیمارستان از لحاظ ش.م.ر. بسیار ضعیف بود و تعداد اندکی خودرو رفع آلودگی در اختیار داشت. به یگان‌ها نیز تنها کپسول‌های ثابت واگذار شد.

و همچنین مقاومت آنان، ناگزیر از قسمت‌هایی از مناطق تصرف شده عقب‌نشینی کردند.^(۲۶) درگیری با دشمن در محور قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) و فتح در روز بعد (روز اول عملیات) نیز ادامه یافت و یگان‌هایی که اهداف خود را به طور کامل در تاریکی شب تصرف نکرده بودند، کوشیدند این کار را در روز به اتمام برسانند. بدین ترتیب مرحله‌ی اول عملیات با سرعت بسیار خوبی اجرا شد و بیش‌تر یگان‌ها موفق شدند تا صبح همه‌ی اهداف تعیین شده را تصرف کنند و بعضی یگان‌ها نیز بدون توقف جنگ را در روز ادامه دادند تا مرحله‌ی اول تکمیل شود. موفقیت یگان‌ها در این مرحله از عملیات به جز در محدوده‌ی قرارگاه فتح ۱ (ارتفاعات شاخ سورمر

رسول‌الله^(ص) با درگیری در محورهای گوناگون آغاز شد.^(۲۳) در محور شمالی عملیات یگان‌های قرارگاه قدس شامل لشکر ۴۱ ثارالله و ۲۵ کربلا، لشکر ۳۳ المهدی^(عج) در کمتر از ۳ ساعت، اهداف خود را شامل ارتفاعات ملخور خورنوازان، هانی‌قل و تپه حمید تصرف و پاک‌سازی کردند و تنها تصرف اهداف تیپ ۳۹ بیت‌المقدس به دلیل یخ‌زدگی مسیر تا آغاز روشنی هوا طول کشید که نیروهای این تیپ سرانجام ساعت ۵:۳۰ صبح هدف خود را در ارتفاع چناره تصرف کردند. بدین ترتیب، در محدوده‌ی قرارگاه قدس همه‌ی اهداف مورد نظر در مرحله‌ی اول عملیات، قبل از روشنی هوا تصرف شد، منتها به دلیل متصل نبودن جاده‌ی تدارکاتی به جاده‌های دشمن، یگان‌ها متوقف شدند و به تحکیم مواضع و پدافند پرداختند.^(۲۴) در محور میانی یگان‌های قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) شامل لشکر ۹ بدر، تیپ ابوذر، تیپ ۳۶ انصارالمهدی^(عج)، تیپ ۲۹ نبی‌اکرم^(ص) و تیپ ۷۵ ظفر بخش عمده‌ی از اهداف خود را شامل ارتفاعات گاوکش، نیمی از ارتفاع شیندروی و یال‌های شرقی ارتفاع بالامبو به نام ارتفاع مگر تصرف کردند.^(۲۵) در محور جنوبی نیز یگان‌های قرارگاه فتح شامل تیپ ۸۲ صاحب‌الامر^(عج)، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و لشکر ۸ نجف تا قبل از ساعت ۴ صبح، اهداف خود را روی یال‌های غربی ارتفاع بالامبو و قسمتی از ارتفاع تمورژنان تصرف و پاک‌سازی کردند. همچنین نیروهای تحت امر قرارگاه فرعی فتح ۱* شامل لشکر ۱۱ امیرالمومنین^(ع)، تیپ ۴۴ قمربنی‌هاشم و تیپ ۹۱ بقیه‌الله^(عج) که مأموریت تصرف ارتفاعات شاخ سورمر و شاخ شمیران در جنوب دریاچه‌ی دربندیخان را برعهده داشتند، با وجود موفقیت‌های اولیه در تصرف بخش‌ی از شاخ سورمر و شاخ شمیران به دلیل هوشیاری و حساسیت شدید دشمن

فرمانده لشکر کردستان و جانشین نیروی زمینی ارتش متعهد شدند آتشبارهای ۱۰۵، ۱۳۰ و ۲ قبضه ۲۰۳ و مهمات توپ‌خانه‌ی اتریشی در اختیار نیروهای عمل‌کننده قرار دهند، اما به هنگام عملیات تنها ۱۷ قبضه ۱۳۰ در اختیار آن‌ها قرار گرفت

عدم حضور جدی در منطقه، پیشروی سریع یگان‌های خودی، به ویژه در محور قرارگاه‌های فتح و ثامن‌الائمه^(ع) و احتمال بازیابی توان دشمن در صورت طولانی شدن فاصله‌ی مرحله‌ی اول و دوم عملیات مجموعه عواملی بودند که اجرای سریع مرحله‌ی بعدی عملیات را ضرورت می‌بخشد.^(۲۹) اما آغاز مرحله‌ی دوم عملیات به همت قرارگاه قدس

* در محور جنوبی عملیات والفجر ۱۰ در خط حد قرارگاه فتح، شاخه‌ی جنوب غربی دریاچه‌ی دربندیخان، منطقه‌ی عملیات را به دو بخش جداگانه تقسیم کرده بود. بنابراین برای سهولت هدایت یگان‌ها و راحت شدن ارتباطشان با قرارگاه بالاتر، چند روز قبل از عملیات سازمان‌دهی و هدایت امور در جنوب دریاچه‌ی دربندیخان به عهده‌ی یک قرارگاه فرعی گذاشته شد و سه یگان عمل‌کننده در این منطقه تحت امر قرارگاه فتح ۱ قرار گرفتند.

سکوت اختیار شد. این تدبیر بر حساسیت دشمن به دو محور میانی و جنوبی افزود و موجب غفلت آنان از محور قرارگاه قدس شد.^(۳۱) در واقع می‌توان گفت که دشمن تحلیل درستی از وضعیت پیش آمده نداشت همچنین از کل مأموریت‌های محول شد. به تیپ ۷۵ ظفر قرارگاه رمضان تنها پمپ بنزین شهر حلبچه به آتش کشیده شد که دلیل آن عدم همکاری مناسب گروه‌های معارض کرد عراق با آن‌ها بود. البته این تیپ در محور شمالی در مسدود کردن بعضی از جاده‌ها و زدن کمین به خودروهای دشمن، عملکرد خوبی داشت.^(۳۲)

مرحله دوم

حدود ۴۸ ساعت پس از شروع عملیات، مرحله‌ی دوم عملیات از غروب آفتاب روز ۲۴ اسفند ۱۳۶۶ با هدف محاصره‌ی دشت حلبچه و همچنین باز کردن جاده‌ی مهم بیاره - نوسود آغاز شد. در این مرحله بنا شد، قرارگاه قدس با تصرف پل گردکو، تنگه‌ی خرمال را مسدود کند. به قرارگاه فتح نیز ابلاغ شد تا هم زمان با آغاز مرحله دوم پیشروی خود را از یال‌ها شمال غربی ارتفاع بالامبو ادامه دهد و در حوالی شهر دجیله با قرارگاه قدس الحاق کند. در این مرحله همچنین سرازیر شدن قرارگاه ثامن الائمه^(ع) از روی شیندروی و وارد کردن نیروهای تازه‌نفس برای پاک‌سازی ارتفاعات شمال و شرق آن و الحاق با لشکر ۷ ولی عصر^(عج) قرارگاه قدس - که روی ارتفاع شنام عمل می‌کرد - جزو برنامه‌های تعیین شده برای این قرارگاه بود. همچنین باز کردن جاده‌ی مهم بیاره - نوسود از اهداف مهم این قرارگاه به شمار می‌رفت. در این مرحله از عملیات قبل از تاریکی هوا (مقارن با غروب آفتاب) حرکت یگان‌ها برای ادامه‌ی عملیات آغاز شد و مقرر گردید در ساعت ۲۲ در محور قرارگاه قدس (محور شمالی)، درگیری شروع شود.^(۳۳) در این مرحله نیز پیشروی یگان‌ها

و ورود یگان‌های تحت امر این قرارگاه به دشت خرمال، مشروط به رسیدن جاده‌ی تدارکاتی یگان‌ها تا تپه‌ی هانی‌قل بود. به همین دلیل، احداث جاده‌ی ملخور محور اساسی پی‌گیری‌های محسن رضایی فرمانده کل سپاه و عزیز جعفری فرمانده قرارگاه قدس قرار گرفت تا زودتر بتوانند مرحله‌ی دوم عملیات و حرکت اصلی عملیات را انجام دهند. در حالی که درباره‌ی اجرای مرحله‌ی دوم عملیات در شب‌های سوم یا چهارم تردید وجود داشت، خبر رسیدن جاده تا تپه‌ی هانی‌قل در ساعت ۱۴ در ۲۴ اسفند، اجرای عملیات در شب سوم را محرز کرد.^(۳۰) در این فاصله‌ی

بین این دو مرحله، قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) تلاش خود را بر تکمیل اهداف عملیات و الحاق یگان‌ها با یک‌دیگر متمرکز کرد. قرارگاه فتح نیز در شب دوم و در طول روز دوم موفق شد، شیندروی را به طور کامل تصرف کند که در پی آن الحاق تیپ نبی اکرم^(ص) و لشکر بدر انجام گرفت. همچنین نیروهای سپاه چهارم تحت امر این قرارگاه، ارتفاع

پروینه را تصرف کردند. در این فاصله، بیش‌ترین توجه دشمن بر محور شاخ سورمر و شاخ شمیران و در درجه‌ی دوم بر محور حلبچه، مقابل قرارگاه‌های فتح و ثامن‌الائمه^(ع) معطوف بود. تبلیغات انجام شده تا آغاز مرحله‌ی دوم عملیات در شکل‌گیری اقدامات دشمن چندان بی‌تأثیر نبود. در تبلیغات رسانه‌ای، عملیات در محور قرارگاه قدس (محور شمالی عملیات)، با عنوان "ظفر ۷" و با مشارکت نیروهای تحت امر قرارگاه رمضان و اکراد معارض آغاز گردید و در مورد محورهای عملیات دو قرارگاه فتح و ثامن‌الائمه^(ع) (یعنی محور جنوبی و میانی) نیز

مأموریت پشتیبانی آتش
هوانیروز در این عملیات با
بهره‌گیری از ۲ هلی‌کوپتر
کبری به چند مأموریت
محدود اکتفا شد



لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب^(ع) شهر آزاد شده خرمال در عراق؛ عملیات والفجر ۱۰، ۱۲/۲۵/۱۳۶۶

سریع و موفقیت آمیز بود. قرارگاه قدس در ادامه‌ی این عملیات توانست تا صبح یال بانیشار و آموره، ارتفاع شیرمر، گیلک و پل گردکو را تصرف و با احداث خاکریز در حد فاصل آموره - بانیشار تا شیرمر خط نسبتاً مناسبی را در جناح شمالی عملیات ایجاد کند.^(۲۴) لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) از قرارگاه فتح نیز در طول شب تنها موفق شد دارزین،

عقب‌نشینی کردند. قرارگاه فتح با مشاهده‌ی از هم پاشیدگی دشمن، در واقع، مرحله‌ی سوم مأموریت خود را در این روز آغاز کرد* و لشکر ۸ نجف به پادگان زمقی رسید و آن را تصرف کرد. بدین ترتیب دشمن با از دست دادن پادگان‌های زمقی و بکراوه به طور کامل تا شهر دجیله عقب نشست. در این وضعیت، لشکرهای ۸ و ۱۴ امام حسین^(ع) با سرعت از دو طرف به سمت دجیله حرکت کردند و در حوالی ظهر به دروازه‌های شهر دجیله رسیدند. فرماندهی دشمن که امیدی به حفظ منطقه نداشت، همه‌ی توجه و تلاش خود را معطوف به پل گردکو کرد تا با گشودن حلقه‌ی محاصره، نیروهای خود را آزاد کند، اما موفق به انجام کاری نشد. در پی رسیدن قرارگاه فتح به شهر دجیله (با وجود حساسیت محور شمال پل گردکو) قرارگاه قدس لشکرهای ۲۵ کربلا و ۳۳ المهدی^(عج) را مأمور کرد به دجیله بروند و با یگان‌های قرارگاه فتح در شهر دجیله الحاق کنند که

ادامه‌ی ارتفاع تمورژنان و شاخ بالامبوی کوچک و سرپل نلرش را تصرف و به طرف جاده‌ی آسفالتی حلبچه - دریاچه دربندیخان پیشروی کند. نیروهای قرارگاه ثامن الائمه^(ع) نیز از ارتفاع شیندروی سرازیر شدند و تیپ ۷۵ ظفر به سمت محور جاده و ارتفاعات پنج‌قله پیشروی کرد.^(۲۵) با تصرف سریع پل گردکو و در واقع بسته شدن تنگه‌ی خرمال در صبح روز سوم عملیات همه‌ی نیروهای ارتش عراق در دشت حلبچه در محاصره‌ی رزمندگان قرار گرفتند و جبهه‌ی دشمن در محور جنوبی به سرعت فروریخت و نیروهای محورهای بیاره، طویله و حلبچه به همراه خودروها و امکانات نظامی موجود، با تشکیل ستون‌های طویلی اقدام به عقب‌نشینی از منطقه کردند. اما به دلیل آن‌که راهی برای خروج از تنگه باقی نمانده بود، سرگردان و از هم گسیخته از این سو به آن سو می‌رفتند و مرحله به مرحله، ابتدا به سمت شهر خرمال و سپس به طرف دجیله

* با بسته شدن تنگه‌ی خرمال فرماندهی کل سپاه تأکید می‌کرد که قرارگاه فتح و قدس به طرف دجیله حرکت کنند و ضمن الحاق یا یک‌دیگر در نقطه‌ی مورد نظر، مانع فرار نیروهای عراقی از طریق آب دریاچه یا احتمالاً تحرکات دیگر دشمن شوند. به همین دلیل، فرمانده نیروی زمینی به قرارگاه ثامن الائمه^(ع) تأکید می‌کرد که از ارتفاعات پایین بیابند و به الحاق کمک کنند.

شدند که اغلب آنان کشته، مجروح یا اسیر شدند. البته عده‌ی هم خود را به آب رساندند و گریختند. در محور سیدصادق نیز تحرکات دشمن ضعیف بود و به نظر می‌رسید هدف دشمن بیش‌تر معطوف به سد کردن پیشروی نیروهای ایرانی به سمت شمال یعنی شهر سیدصادق است.^(۳۷) براساس اطلاعات اولیه درباره‌ی میزان انهدام تجهیزات و نیروهای دشمن، در این مرحله از عملیات در، حدود ۸۰۰ نفر از نیروهای دشمن - که به همت دو قرارگاه قدس و فتح محاصره شده بود- اسیر شدند و ۵۰ تانک و حدود ۵۰ توپ به غنیمت در آمد. این در حالی بود که بسیاری از نیروهای عراقی در منطقه دشت زور پراکنده شده بودند و سعی داشتند به هر نحوی، خود را از دست‌رس نیروهای ایرانی دور نگه دارند.^(۳۸)

مرحله سوم

مرحله سوم عملیات از غروب آفتاب روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ در محور قرارگاه قدس از دو جهت آغاز شد.

۱. جهت شمال به منظور پیشروی در شمال رودخانه‌ی زلم ۲. جهت جنوب با هدف الحاق با قرارگاه فتح در دجیله. تا صبح روز بعد لشکرهای ۱۹فجر، ۴۱ ثارالله و ۱۷ علی بن ابیطالب^(۳) موفق شدند با پیشروی در شمال رودخانه‌ی زلم و تصرف سه‌تپان و جاده‌ی ارتباطی، تپه‌های کوچک مشرف بر پل ملاویسی و احداث خاکریز در روز، خط پدافندی جدیدی را تأمین و تحکیم کنند. این خط جدید بر عقبه‌ها و خطوط مواصلاتی عراق در جناح شمالی عملیات مسلط بود. علاوه بر آن، شهر خرمال که از اولین ساعت‌های پس از نیمه شب در محاصره قرار داشت، دقایقی قبل از ظهر به طور کامل تصرف شد. پس از پاک‌سازی شهر، عده‌ی از مردم که با وجود درگیری‌ها هنوز در شهر خرمال حضور داشتند، به استقبال رزمندگان آمدند. کم کم مغازه‌ها

به دلیل تاریکی هوا قرار شد این اقدام در مرحله‌ی سوم مأموریت قرارگاه قدس انجام شود. در این مرحله بنا شد علاوه بر فلش حرکت به طرف دجیله، لشکرهای ۱۹، ۴۱ و ۱۷ نیز خط بهتری را در شمال رودخانه‌ی زلم تشکیل دهند. قرارگاه ثامن الائمه^(۴) که برای باز کردن جاده‌ی بیاره - نوسود و پاک‌سازی ارتفاعات پنج‌قله اقدام کرده بود تا غروب موفق شد با لشکر ۷ ولی عصر^(۵) از قرارگاه قدس - که روی ارتفاع شنام عمل کرده بود - در حوالی روستای بیاره الحاق کند. پس از موفقیت‌های لشکرهای ۸ نجف و ۱۴ امام حسین^(۶) در تصرف پادگان‌های منطقه‌ی حلبچه و محاصره‌ی شهر دجیله، ساعت ۱۶ سومین روز عملیات یک گردان از لشکر ۹ بدر خود را به آستانه‌ی شهر حلبچه رساند و به همراه تیم‌هایی از نیروهای اطلاعات و عملیات تیپ ۷۵ ظفر وارد بخش‌هایی از شهر حلبچه شد و سامان‌دهی امور را به دست گرفت.^(۳۶) خلبانان نیروی هوایی ارتش نیز از ساعت ۸:۵۵ صبح تا ۱۸:۱۵ عصر، در ۱۵ نوبت مواضع و

محل تجمع نیروهای عراقی را در منطقه‌ی عملیاتی والفجر ۱۰ بمباران کردند. پس از انسداد تنگه‌ی خرمال، نیروهای دشمن مواضع خود را رها کردند و به هر نحو ممکن کوشیدند با شکستن حلقه‌ی محاصره فرار کنند. گفتنی است که دشمن از سمت سیدصادق نیز برای باز شدن حلقه‌ی محاصره و نجات خود بسیار تلاش کرد. واحدهایی از دشمن که با نیروهای خودی به شدت درگیر شده بودند و مقاومت بیش‌تر را در شکستن حلقه‌ی محاصره مفید نمی‌دانستند، به سمت دریاچه‌ی دربندیخان متواری

نیروی هوایی در عملیات والفجر ۱۰، در زمینه‌ی بمباران مواضع ارتش عراق و پشتیبانی رزمندگان بسیار فعال عمل کرد، طوری که بلافاصله پس از دستور فرماندهی، جنگنده‌های نیروی هوایی بر فراز آسمان منطقه‌ی عملیاتی ظاهر شدند و اهداف مورد نظر را بمباران کردند

طور پراکنده باقی مانده بودند که پاک‌سازی آن‌ها کار مشکلی نبود. سرلشکر ستاد علی حسین عبیدالعقوی فرمانده لشکر ۴۳ عراق مستقر در حلبچه در این نقطه به اسارت در آمد. جانشین وی نیز در همین منطقه کشته شد. همچنین بسیاری از ارتشیان عراقی خود را به آب انداختند یا با قایق و بال‌گرد به آن سوی دریاچه گریختند.^(۴۳) در حاشیه‌ی دریاچه نیز تعدادی از نیروها و فرماندهان تیپ ۶۸ نیروی مخصوص در محاصره‌ی رزمندگان قرار گرفتند و فرمانده امور اداری تیپ با درجه‌ی سرهنگی و فرمانده گردان ۲ این تیپ با درجه‌ی سرگردی اسیر شدند. همچنین فرمانده و معاون تیپ با درجه‌ی سرهنگی که سعی می‌کردند بگریزند، کشته شدند.^(۴۴) در محدوده‌ی قرارگاه فتح پس از الحاق بین قرارگاه قدس و قرارگاه فتح و کامل شدن محاصره‌ی دشمن در دشت زور، نیروهای لشکر ۸ نجف برای الحاق با نیروهای قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) وارد حلبچه شدند.* شهر به حالت تعطیل درآمد بود، با این حال مردم گروه‌گروه از خانه‌ها بیرون آمدند و به تماشای رزمندگان که مشغول پاک‌سازی مراکز دولتی بودند، ایستادند. بعضی نیز ضمن خوش‌آمدگویی، برای آن‌ها دست تکان می‌دادند.* آن‌هایی هم که از شهر خارج شده بودند ساعتی بعد بازگشتند و شهر کاملاً به حالت عادی خود درآمد. بخشی نیروهای قرارگاه رمضان (تیپ ۷۵ ظفر) و لشکر ۹ بدر در سطح شهر در برخی اماکن و مراکز دولتی مستقر شدند و کنترل شهر را به دست گرفتند.^(۴۵) در محدوده‌ی

باز شدند و شهر به وضعیت عادی خود بازگشت، اما عده‌ی از اهالی به دلیل احتمال بمباران و زیر آتش قرار گرفتن شهر، تصمیم گرفتند از خرمال خارج شوند و به تدریج با تخلیه‌ی شهر از طریق شیار زلم به طرف ملخور حرکت کردند. عده‌ی نیز به صورت پیاده یا سواره راهی حلبچه شدند.^(۴۶) در محور دوم قرارگاه قدس در جنوب پل گردکو نیز لشکر ۳۳ المهدی^(عج) و ۲۵ کربلا در سمت شرق و غرب جاده‌ی سیدصادق - دجیله به سمت جنوب ادامه یافت. نیروهای این دو لشکر در مسیر جاده به طرف دجیله با انبوه نیروهای دشمن مواجه شدند و درگیری شدیدی در گرفت که به انهدام وسیعی از نیروهای دشمن که سازمان خود را از دست داده بودند، انجامید. سرانجام این لشکرها در ساعت ۵ صبح به دروازه‌های شمالی شهر دجیله رسیدند و با هماهنگی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و لشکر ۸ نجف از قرارگاه فتح، الحاق میان یگان‌ها انجام گرفت.^(۴۷) گفتنی است در جریان الحاق یگان‌ها بخش عمده‌ی از نیروها و امکانات دشمن منهدم شد، غنائم بسیاری به دست آمد و تعداد فراوانی از نیروهای بعضی از جمله فرمانده تیپ ۱۱۱ به دست نیروهای لشکر ۲۵ کربلا اسیر شدند. تعداد دیگری نیز به طرف دریاچه‌ی دربندیخان در شمال غربی دجیله رانده شدند.^(۴۸) مردم در بدو ورود رزمندگان به شهر دجیله استقبال گرمی از آن‌ها کردند.^(۴۹) در شرق شهر دجیله تعدادی از قوای دشمن به

* در آستانه‌ی ورود رزمندگان به شهرهای حلبچه، دوجیله و خرمال، آقای هاشمی رفسنجانی نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع و فرمانده عالی جنگ و حجت‌الاسلام محمدی عراقی جانشین نماینده‌ی امام در سپاه پاسداران در پیام‌هایی جداگانه خطاب به رزمندگان ضرورت برخورد اسلامی توأم با رأفت و مهربانی، مردم شهرها و روستاهای این منطقه را یادآور شدند.

** یکی از نیروهای تیپ ۷۵ ظفر درباره‌ی نحوه‌ی برخورد مردم با رزمندگان گفت:

وقتی وارد شهر شدیم هیچ کس داخل خیابان‌ها نبود، پس از مدتی پیروزی را دیدیم. به او گفتیم که مردم در امان جمهوری اسلامی هستند و هیچ کس ترس نداشته باشد. پیروزان هلهله‌کنان در خیابان‌های شهر به راه افتاد. مردم با شنیدن صدای او از خانه‌ها بیرون آمدند و کم‌کم کوچک و بزرگ، زن و مرد به صورت تظاهرات در خیابان‌ها راه‌پیمایی کردند و هم‌صدا با نیروهای ما تکبیر می‌گفتند. محمد صالحی جانشین لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله^(ص) که ساعتی بعد وارد حلبچه شد در این باره گفت: وارد شهر که شدم مردم عادی رفت و آمد می‌کردند و با صدای تکبیر از رزمندگان استقبال می‌کردند. مغازه‌ها باز بود و مردم به خرید و فروش مشغول بودند. (دفترچه ۱۶۴۰، عملیات والفجر ۱۰، قرارگاه خاتم‌الانبیاء، اسدالله احمدی، صص ۳-۴)



حضرت آیت الله خامنه‌ای رئیس جمهور، محسن رضایی فرمانده کل سپاه، علی رضا افشار و موسی رفان به همراه محافظین و تعدادی از پاسداران در جریان بازدید از منطقه عملیاتی والفجر ۱۰، ۱۳۶۷/۱/۱

قرارگاه ثامن الائمه^(ع) نیز نیروهای تیپ ۲۹ نبی اکرم^(ص) پس از تصرف و پاک‌سازی کامل پایگاه‌های دشمن در روستای انب، خود را قبل از روشن شدن هوا به شهر طویله رساندند و از اوایل صبح روز چهارم، ادامه‌ی پیشروی به سمت بیاره شروع شد. همچنین مقر

دچار تردید شدند.^(۴۸) آتش مؤثر توپ‌خانه، شلیک تانک‌ها و بمباران‌های مکرر هواپیماهای خودی، امکان هرگونه ضد حمله را از دشمن سلب کرده بود، طوری که عراق تانک‌های خود را تا روستای گردنازی در شرق پل ملاویسی عقب کشید و در آن‌جا آرایش گرفت. همچنین تپه‌ی ریشن در غرب شهر سیدصادق را به وسیله‌ی تانک و نیروهای پیاده تقویت کرد.^(۴۹) در طول اجرای مرحله‌ی دوم عملیات و هنگامی که شهر حلبچه در محاصره رزمندگان قرار داشت، با توجه به احتمال بمباران شهر حلبچه، به نیروها دستور داده شد از خروج مردم جلوگیری نکنند. همچنین با توجه به احتمال سوءاستفاده‌ی نیروهای دشمن - که در میان مردم بودند- یگان‌ها موظف شدند هیچ‌گونه مشکلی برای مردم ایجاد نکنند و آن‌ها را آزاد بگذارند تا از هر مسیری که می‌خواهند از شهر خارج شوند. همچنین فرمانده کل سپاه از طریق رادیو کردی صدای جمهوری اسلامی ایران برای مردم محلی صحبت کرد. نیروهای قرارگاه رمضان (تیپ ۷۵ ظفر) نیز با احتمال دانستن بمباران شهر، مردم را به ترک شهر تشویق کردند.^(۵۰) بدین ترتیب، تعدادی از اهالی، از شهر خارج شدند، عده‌ی

حزب دمکرات کردستان ایران، گروه‌های رزگاری و کومه‌له در روستای مرزی هانی گرمه ایران و شهر بیاره‌ی عراق هدف حمله‌ی رزمندگان قرار گرفت. بدین ترتیب که ابتدا به مقر گروه رزگاری در شهر بیاره حمله شد که در نتیجه‌ی آن تعدادی از افراد این گروه کشته و بیش از ۵۰ نفر اسیر شدند.^(۴۶) مأموریت پاک‌سازی جاده نوسود- طویله- بیاره نیز تا ساعت ۱۰ صبح ۲۶ اسفند به پایان رسید و پس از آن تیپ ۷۷ نبوت و سپاه چهارم از قرارگاه ثامن الائمه^(ع) و لشکر ۷ ولی عصر^(عج) از قرارگاه قدس در بیاره با یکدیگر الحاق کردند تا آخر روز نیز الحاق کاملی بین لشکر ۲۵ کربلا از قرارگاه قدس و لشکر ۸ نجف از قرارگاه فتح در ساحل شرقی دریاچه‌ی دربندیخان انجام شد. بدین ترتیب سه قرارگاه اصلی عملیات در محل‌های مشخص شده با یکدیگر الحاق کردند و پس از آن پاک‌سازی ارتفاعات مشرف به شهرهای نوسود ایران و طویله‌ی عراق به طور کامل انجام شد و نیروهای قرارگاه ثامن الائمه^(ع) با تصرف پایگاه‌های دشمن در نقاط مهم ارتفاعات مستقر شدند.^(۴۷) عملکرد دشمن در این مرحله نیز ضعیف بود تا جایی که نیروهای خودی درباره‌ی نیت آنان

گردان کشته و ۱۲ نفر دیگر از جمله مسئول سیاسی و چند تن از مسئولان دسته دست‌گیر شدند.^(۵۳) همچنین طبق گزارش‌های دریافت شده تا پایان مرحله‌ی سوم عملیات بالغ بر ۵۲۵۰ نفر از نیروهای دشمن و عناصر گروه‌های ضد انقلاب به اسارت درآمدند. که از این تعداد ۱۷۵۰ در محور جنوبی و ۱۵۰۰ اسیر در محور شمالی عملیات تخلیه شدند. البته ۲۰۰۰ نفر از آن‌ها می‌بایست در محور جنوبی عملیات تخلیه می‌شدند که هنوز این اقدام انجام نشده بود. واحد اطلاعات و عملیات نیز اعلام کرد بر اساس آمار اولیه ۲۶ یگان درگیر در این عملیات

بمباران مواضع دشمن در طول یک روز عملیاتی، به طور پی در پی و با درخواست فرماندهی انجام می‌گرفت و در برخی موارد مهم و حساس، سرهنگ مصطفی اردستانی فرمانده عملیات نیروی هوایی ارتش، شخصاً مواضع دشمن را بمباران می‌کرد

از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد متحمل خسارت شدند که رزمندگان از همه آن‌ها اسیر گرفتند.^(۵۴) با پایان مرحله‌ی سوم عملیات، محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران، در سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) با ارسال پیامی به امام خمینی رهبر کبیر انقلاب پیروزی عملیات والفجر ۱۰ را به ایشان تبریک گفت.^(۵۵) امام خمینی نیز متقابلاً به پیام فرمانده کل سپاه پاسخ دادند.^(۵۶)

مرحله‌ی چهارم

مرحله‌ی چهارم عملیات والفجر ۱۰ برای تحکیم خط دفاعی در جناح شمالی عملیات، در ارتفاعات شمال رودخانه‌ی آوی زلم انجام شد. در این مرحله لشکرهای ۱۹ فجر، ۴۱ ثارالله، ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع) با ۵ گردان مأموریت تصرف یال میرسور و تپه‌ی ریشن در شرق پل ملاویسی را عهده‌دار شدند.^(۵۷) همچنین احداث چند رده خاکریز و جاده در قسمت‌هایی از خط دفاعی پیش‌بینی شد که اجرای آن نیز به عهده‌ی مهندسی این سه یگان و جهاد سازندگی گذاشته شد.^(۵۸) حرکت نیروهای عمل‌کننده از غروب ۲۸

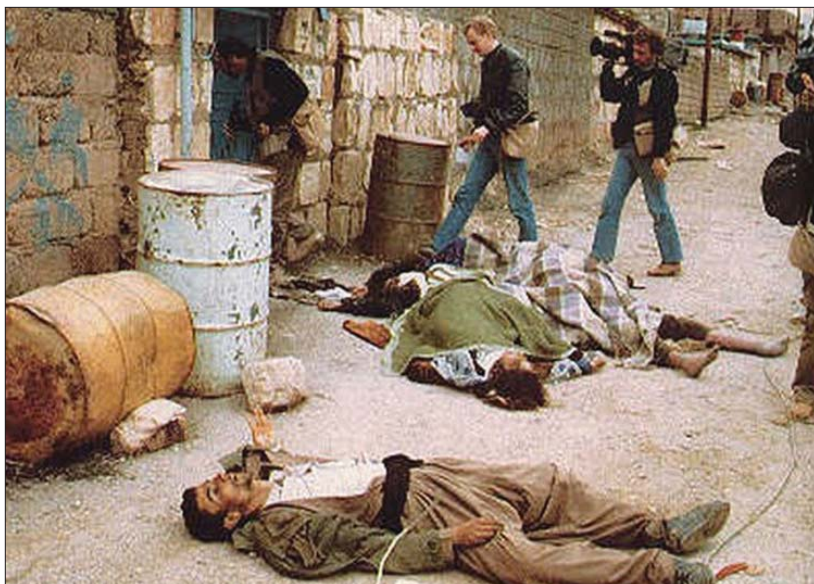
به طرف ارتفاعات بالامبو و تعدادی نیز به طرف دشت‌سازان رفتند و خود را به رودخانه‌ی آب سیروان در محدوده قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) رساندند و از طریق پل‌های فررو از این رودخانه‌ی مرزی گذشتند و وارد خاک ایران شدند. حدود ۴۰ کامیون و کمپرسی نیز در محور گوزیل برای انتقال اهالی آماده شد که البته کفاف جمعیت چند ده هزار نفری مردم سرگردان را نمی‌داد. تعدادی از اهالی نیز از شب گذشته در هوای سرد، در ارتفاعات و شیارها سرگردان بودند.^(۵۹)

جلسه‌ی فرماندهان

در ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ (روز چهارم عملیات) برای اولین بار بعد از شروع عملیات، فرمانده کل سپاه جلسه‌ی با حضور فرماندهان نیروی زمینی و قرارگاه‌های عمل‌کننده تشکیل داد. در این جلسه ضمن بررسی عملیات، تصمیم گرفته شد:

- به منظور تثبیت و تحکیم خط پدافندی در تنگه‌ی خرمال، یال و تپه‌ی ریشن نیز به تصرف درآید و خط پدافندی در امتداد آن و رودخانه‌ی ملاویسی تشکیل شود.
- خط پدافندی طول دریاچه بر عهده‌ی قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) گذاشته شود.
- بر ادامه‌ی عملیات در محور شاخ سورمر - شاخ شمیران که با عنوان "نقص عملیات" از آن نام برده می‌شد، تأکید شد.^(۶۰)

در روز چهارم عملیات، در ادامه‌ی پاک‌سازی مناطق حدفاصل شهر دجیله تا دریاچه‌ی دربندیخان، حدود ۱۵۰ نفر از افراد گردان شوان از گروه کومه‌له قصد داشتند با استفاده از قایق‌هایی که به وسیله بال‌گردهای دشمن به دریاچه انداخته می‌شد، از طریق دریاچه‌ی دربندیخان فرار کنند که در ساعت ۱۸:۲۰ به کمین نیروهای گردان امام محمدباقر^(ع) لشکر ۲۵ کربلا افتادند و با یک‌دیگر درگیر شدند. در این درگیری، ۵۵ نفر از جمله فرمانده و معاون گردان شوان و حداقل ۱۵ نفر از کادر اصلی این



حضور خبرنگاران خارجی در شهر حلبچه، محل بمباران شیمیایی عراق علیه مردم حلبچه؛ اسفند ۱۳۶۶.

اسفند به سمت مواضع دشمن آغاز شد و رزمندگان در ساعت ۱:۴۵ بامداد روز بعد با دشمن درگیر شدند و در ساعت ۳:۳۵ تپه‌ی ریشن و تپه دوقلو و یال میرسور را تصرف کردند و روی مواضع جدید مستقر شدند. در پی استقرار نیروها، بلافاصله دستگاه‌های مهندسی سپاه و جهاد سازندگی احداث خاکریز را آغاز کردند.^(۵۹)

دو چندان و خط پدافندی وسیعی بر ارتش عراق تحمیل شد.^(۶۱) با توجه به تصرف نشدن ارتفاعات شاخ سورمر و شاخ شمیران و تسلط دید و تیر نیروهای عراقی مستقر در این ارتفاعات بر قسمتی از مناطق تصرف شده در عملیات والفجر ۱۰ به ویژه ارتفاع تمورژنان، تصرف این ارتفاعات مورد تأکید فرماندهان سپاه قرار گرفت، اما از آنجا که اجرای عملیات در این منطقه نیازمند حضور یگان‌های جدید فراهم کردن امکانات و اجرای شناسایی‌های جدید بود، یک قرارگاه تاکتیکی جدید به فرماندهی احمد غلامپور تشکیل شد و چند یگان جدید از جمله لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله^(ص)، لشکر ۱۰ سیدالشهدا^(ع)، لشکر ۵۷ ابوالفضل^(ع) و تیپ ۱۷ الغدیر پای کار آمدند. بدین ترتیب در ۵ فروردین ۱۳۶۷ عملیات بیت‌المقدس ۴ با هدف تصرف ارتفاعات شاخ سورمر و شاخ شمیران در جنوب دریاچه‌ی دربندیخان انجام شد و با اجرای این عملیات، اهداف عملیات والفجر ۱۰ به طور کامل محقق گردید.^(۶۲)

پس از آن دشمن ساعت ۷ صبح با بهره‌گیری از یک گردان و با پشتیبانی زرهی به مواضع رزمندگان در تپه‌ی ریشن حمله کرد، اما قبل از رسیدن به این مواضع آرایش و سازمان نیروهای عراقی در هم ریخت و واحد زرهی دشمن نتوانست مانور مناسبی در دشت انجام دهد و شکست خورد.^(۶۰) بدین ترتیب، با اجرای این مرحله از عملیات و استقرار رزمندگان در یال میرسور و تپه‌ی ریشن و در نهایت استقرار لشکر ۲۵ کربلا در پل ملاویسی، لشکر ۳۳ المهدی^(عج) در حد فاصل این پل و دریاچه‌ی دربندیخان در امتداد رودخانه‌ی ملاویسی و تپه و یال ریشن، جناح راست عملیات والفجر ۱۰ و تنگه‌ی دربندیخان - سورن به طور کامل تثبیت شد. همچنین در پی الحاق نیروهای مستقر در یال میرسور و تپه ریشن با رزمندگان مستقر در ارتفاع چناره - که در مرحله‌ی اول عملیات تصرف شده بود - علاوه بر تثبیت جناح کلی عملیات، تسلط یگان‌های قرارگاه قدس بر عقبه‌ی دشمن در سیدصادق و شاندری نیز

دشمن در عملیات

سؤالات و ابهامات بسیاری را در مورد عملکرد دشمن ایجاد کرد و سبب تحلیل‌های متفاوتی از جانب فرماندهان شد از جمله این که دشمن ممکن است قصد حمله به جای دیگری را داشته باشد.^(۶۴) در مرحله‌ی دوم عملیات پس از انسداد تنگه‌ی خرمال، نیروهای دشمن، خطوط مقدم خود را رها کردند و به هر نحو ممکن کوشیدند با شکستن حلقه‌ی محاصره به عقب فرار کنند. از سمت شهر سیدصادق نیز برای باز شدن حلقه‌ی محاصره و نجات نیروهای دشمن تحرکاتی انجام شد که قوت چندانی نداشت و بیش‌تر معطوف به جلوگیری از پیشروی

منطقه‌ی عملیاتی و الفجر ۱۰ در حد فاصل ارتفاعات سورن تا انتهای غربی بالامبو تحت مسئولیت سپاه یکم عراق قرار داشت. پدافند این منطقه از مدتی قبل به وسیله‌ی جاش‌های عراقی (کردهای طرف‌دار حکومت) تأمین شده بود. با شروع فعالیت یگان‌های سپاه برای آماده‌سازی زمین، حضور یگان‌ها در منطقه، تردد خودروها و ... دشمن تغییراتی را در این منطقه ایجاد کرد. فعالیت‌های عمده‌ی ارتش عراق در این منطقه تا قبل از شروع عملیات چنین بود: تعویض نیروهای جاش با یگان‌های نظامی ارتش، اقدامات مهندسی برای ترمیم خطوط پدافندی، پر کردن مواضع و پایگاه‌های خالی، لغو مرخصی‌ها و دادن آماده‌باش، دستور آمادگی و مراقبت بیش‌تر به یگان‌های حاضر در منطقه به طور مکرر و افزایش حجم آتش در منطقه.

انجام دادن چنین اقداماتی از وجود حساسیت‌هایی در نیروهای عراقی حکایت می‌کرد. البته مقایسه‌ی این حساسیت با حساسیت و آتش بیش از حد دشمن در جبهه‌های جنوب و محور بیت‌المقدس ۲ (در غرب) نشان می‌دهد دشمن برای حلبچه اهمیت کم‌تری قائل بود.^(۶۳)

پیشروی سریع نیروها در آغاز عملیات و تصرف کامل اهداف مورد نظر، نشانه‌ی غافل‌گیری شدید دشمن درباره‌ی محور اصلی عملیات بود. فرماندهی دشمن، در مرحله‌ی اول عملیات تلاش عمده‌ی خود را بر محور جنوبی در ارتفاعات شاخ سورمر و شاخ شمیران متمرکز کرد. همچنین بیش‌ترین حجم آتش توپ، پشتیبانی هوایی و بمباران‌های نیروهای عراقی روی محور سد دربندیخان و عقبه‌ی شیخ‌صله انجام گرفت. البته در منطقه‌ی بالامبو و حلبچه و عقبه‌های این محور تحرک چندانی از دشمن دیده نشد. در این مرحله سردرگمی و تحرکات نامنظم نیروهای عراقی به گونه‌ی بود که خود به خود

رزمندگان به سمت این شهر بود. بخشی از نظامیان عراقی به سمت دریاچه متواری شدند که اغلب آنان کشته، مجروح یا اسیر شدند. البته عده‌ی نیز خود را به آب رساندند و گریختند. پس از انسداد کامل تنگه خرمال ارتش عراق کوشید با افزایش بمباران‌های هوایی حتی در محور سورن و عقبه‌ی دزلی و مریوان ناکامی‌های خود

خلبانان نیروی هوایی ارتش از ساعت ۸:۵۵ صبح تا ۱۸:۱۵ عصر، در ۱۵ نوبت مواضع و محل تجمع نیروهای عراقی را در منطقه‌ی عملیاتی و الفجر ۱۰ بمباران کردند

را جبران کند. به همین دلیل، حجم آتش خود را به تدریج بیش‌تر کرد. همچنین در روزهای سوم و چهارم عملیات، اطلاعاتی حاصل شد مبنی بر این که دشمن در حال انتقال نیرو و یگان از جبهه‌های شمالی و جنوبی به سمت منطقه‌ی عملیاتی است. اولین خبرها از انتقال ۴ تیپ زرهی، ۶ گردان توپ‌خانه، یک تیپ پیاده و یک تیپ مکانیزه از منطقه‌ی جنوب در ۲۶ اسفند حکایت می‌کرد. خبرهای بعدی نیز بیان‌گر تلاش بیش‌تر دشمن برای انتقال نیرو از جنوب به منطقه‌ی عملیاتی بود. انتقال نیرو از جبهه جنوبی موجب شد احتمال تحرک دشمن در منطقه‌ی

نیروهای عراقی در اجرای مانور زرهی، امکان اجرای پاتک‌های گسترده را از دشمن سلب کرده بود.

• دشمن تصور درستی از محور اصلی عملیات نداشت و احتمال می‌داد عملیات اصلی ایران در منطقه‌ی دیگری (جنوب یا بیت‌المقدس ۲) اجرا خواهد شد. سرلشکر اسیر عراقی (فرمانده لشکر ۴۳) در بازجویی‌های خود با اشاره به این نکته گفت: چون وضعیت نامشخص و نیت ایران برای ما واضح نبوده و هدف آن‌ها را در حقیقت نمی‌دانستیم من معتقدم که هدف اصلی ایرانی‌ها از این عملیات این بود که ارتش عراق را وادار کنند نیروهای خود را در این منطقه بگمارد ولی پیروزی که به دست آمد و تحقق یافت ممکن است عقیده‌ی ایرانی‌ها را تغییر داده و آن را به عنوان عملیات اصلی اعلام داشتند. به هر حال عقب‌ماندن از اهداف، تسلط نیروهای رزمنده، وسعت منطقه، ترس از تلفات، وجود تصورات غلط و ... از جمله عواملی هستند که مانع اجرای یک اقدام جدی از جانب دشمن شدند.^(۶۵)

ضد انقلاب

قبل از عملیات والفجر ۱۰، نیروهایی از گروهک کومه‌له و حزب دمکرات از گاراده به منطقه‌ی در حوالی پروینه (داخل منطقه‌ی عملیاتی) سرازیر شدند. علاوه بر این شاخه‌ی از حزب دمکرات در نوسود و عقبه‌های آن استقرار یافتند. در مجموع، این افراد در حدود ۷۰۰ نفر از حزب دمکرات و ۱۰۰ نفر از کومه‌له بودند. همچنین تعدادی از افراد گروه رزگاری در بیاره مستقر شدند. در طول عملیات، به جز تحرک تعدادی از نیروهای حزب دمکرات در محور گاوکش، فعالیت دیگری از آن‌ها دیده نشد. نیروهای این گروه‌ها هم‌زمان و در مواردی قبل از عقب‌نشینی دشمن به محورهای نوسود، طویله و ... فرار کردند. تعدادی نیز به اسارات نیروهای خودی درآمدند و عده‌ی هم خود را تسلیم کردند. برای

جنوب منتفی تلقی شود تا جایی که فرمانده قرارگاه کربلا اجازه یافت منطقه‌ی جنوب را ترک کند و برای هم‌کاری بیش‌تر به منطقه‌ی والفجر ۱۰ برود. با جا به جایی نیروهای دشمن از جنوب، احتمال پاتک‌های دشمن در عملیات والفجر ۱۰ افزایش یافت اما برخلاف انتظار فرماندهان، ضد حمله‌ی سنگین و مهمی از جانب نیروهای عراقی انجام نگرفت.

در یک جمع‌بندی اجمالی عوامل ذیل در انفعال دشمن مؤثر بودند:

• از آن‌جا که کل جبهه اعم از رده‌های پدافندی، توپ‌خانه، فرماندهی و ... به تصرف رزمندگان درآمده بود، دشمن برای بازپس‌گیری مناطق فتح شده می‌بایست امکانات و نیروی جدیدی را از منطقه‌ی دیگر وارد عمل می‌کرد و این کار خود مستلزم توجه کامل نیروهای تک‌کننده بود.

• به دلیل فقدان احتیاط نزدیک، دشمن نمی‌توانست برای بازپس‌گیری منطقه با سرعت عمل کند. بدین منظور، عمده تلاش عراق در مقابله با نیروهای خودی به ایجاد تأخیر در پیشروی رزمندگان به طرف شهر سیدصادق معطوف شد. از طرفی انتقال نیرو و امکانات جدید به منطقه‌ی عملیات مستلزم زمان بود و این امر با توجه به سرعت عمل رزمندگان در عملیات ممکن نبود. همچنین پیشروی سریع نیروهای خودی در این عملیات و ایجاد خط پدافندی مناسب در تنگه‌ی خرمال موجب عقب‌ماندن دشمن از اهدافش شد و در طول عملیات نتوانست آن را جبران کند.

• آتش مؤثر توپ‌خانه‌ی خودی و محدودیت‌های

به نیروها دستور داده شد از خروج مردم جلوگیری نکنند. همچنین با توجه به احتمال سوءاستفاده‌ی نیروهای دشمن - که در میان مردم بودند - یگان‌ها موظف شدند هیچ‌گونه مشکلی برای مردم ایجاد نکنند و آن‌ها را آزاد بگذارند تا از هر مسیری که می‌خواهند از شهر خارج شوند

حالت عادی خارج شد. و پس از چند دقیقه چهره‌ی شهر یکباره تغییر کرد^(۶۸)، طوری که خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌های شهر پر از جنازه‌هایی شد که همچون مجسمه در حالت‌های مختلف خشک شده بودند با آغاز بمباران، بسیاری از مردم حلبچه برای در امان ماندن از انفجارها، به زیرزمین منازل خود پناه بردند، اما به دلیل سنگینی گازهای سمی و نفوذ به این مکان‌ها، همه‌ی آن‌ها به صورت دسته‌جمعی شهید شدند. سرعت و گستردگی بمباران و حجم وسیع تلفات و مردم آورده‌یی که برای در امان ماندن از بمباران‌ها با لباس‌های نه چندان مناسب به سمت کوه‌ها و شیارهای اطراف گریخته بودند، موجب بهت و حیرت دست‌اندرکاران این عملیات شده بود. در پی اطلاع مرکز فرماندهی عملیات از حملات

شیمیایی عراق، دستور داده شد به سرعت مردم و مصدومان این حادثه به پشت جبهه انتقال یابند. به همین منظور، فرمانده کل سپاه پاسداران، محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه و اکبر غمخوار جانشین تدارکات سپاه را برای بسیج امکانات، خودرو و ... و سرهنگ انصاری فرمانده هوانیروز را به منظور فعال کردن هلی‌کوپترها برای انتقال سریع مجروحان به اورژانس و

بیمارستان‌ها مأمور کرد. اما به دلیل نامناسب بودن جاده‌ها و برخی محدودیت‌های دیگر تعدادی از مصدومان شیمیایی به شهادت رسیدند.^(۶۹) در محور قرارگاه فتح و ثامن‌الائمه^(۷۰)، با توجه به اتمام مأموریت هجومی یگان‌های تحت امر این دو قرارگاه و با توجه به حملات شیمیایی عراق، فعالیت یگان‌ها بر کنترل وضعیت، کمک

مثال، افراد گروه کومه‌له به هنگام فرار در حاشیه‌ی دریاچه گرفتار نیروهای لشکر ۲۵ کربلا شدند و به غیر از چند تن - که به اسارت نیروهای این لشکر درآمدند - همگی به هلاکت رسیدند و بقیه متواری شدند. علاوه بر این ۱۴۰ نفر از افراد حزب دمکرات کردستان ایران به سمت حلبچه رفتند که ۳۵ نفر از آنان در پاک‌سازی حلبچه دست‌گیر شدند و ۵۰ نفر از آنان نیز خود را به افراد اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق (طالبانی‌ها) تسلیم کردند و در منطقه همچنان باقی ماندند.^(۶۶)

بمباران شیمیایی حلبچه

در پی محاصره‌ی کامل منطقه‌ی دشت زور و ناامیدی دشمن از خروج نیروهایش از این منطقه، از حدود ساعت ۱۱ صبح روز ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ هواپیماهای عراقی شهر حلبچه و روستاهای اطراف آن را در ابعاد وسیعی بمباران کردند که بسیاری از مردم بر اثر استنشاق گازهای سمی به شهادت رسیدند. این اقدام در حالی انجام گرفت که اوضاع حلبچه کاملاً عادی بود و مردم به راحتی در شهر رفت و آمد و رزمندگان نیز مشغول بازرسی مراکز دولتی بودند.* بمباران هواپیماهای عراقی هنگامی آغاز شد که انبوه مردم دجیله اعم از زن، مرد، پیر، جوان و کودک از جاده‌ی منتهی به شهر حلبچه عازم این شهر بودند. بمباران جاده‌ها و سپس شهرهای خرمال، حلبچه و دجیله (سیروان) و روستاهای اطراف بدون وقفه تا حدود ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه یافت. عراق از ساعت ۱۱ صبح این مناطق را با بمب‌های جنگی بمباران کرد اما از ساعت ۳ بعدظهر به بعد این مناطق را به وسیله بمب‌های شیمیایی بمباران کرد.^(۶۷) از این ساعت به بعد هواپیماهای عراق در ابعاد وسیعی حلبچه و اطراف آن را بمباران شیمیایی کردند. با این اقدام دشمن و شهر حلبچه و روستاهای اطراف آن از

در پی محاصره‌ی کامل منطقه‌ی دشت زور و ناامیدی دشمن از خروج نیروهایش از این منطقه، از حدود ساعت ۱۱ صبح روز ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ هواپیماهای عراقی شهر حلبچه و روستاهای اطراف آن را در ابعاد وسیعی بمباران کردند که بسیاری از مردم بر اثر استنشاق گازهای سمی به شهادت رسیدند

* بررسی مدارک و اسناد طبقه‌بندی شده در استخبارات شهر حلبچه نشان داد سازمان‌دهی اغلب بمب‌هایی که به صورت جاسازی شده برای ایجاد انفجار در نقاط گوناگون، از عراق به داخل خاک ایران حمل می‌شد، در این محل انجام می‌گرفت. (دستنویس پیاده نوار ۲۸۲۴۶، ۲۷/۱۲/۱۳۶۶، صص ۲۴-۲۲)



امدادرسانی رزمندگان اسلام به مردم عراق در جریان بمباران شیمیایی مردم حلبچه توسط ارتش عراق؛ اسفند ۱۳۶۶

به تخلیه‌ی مردم از شهرهای حلبچه، دجیله و روستاهای اطراف آن انتقال آن‌ها به مرزهای ایران معطوف شد. در پایان مرحله‌ی سوم عملیات و از صبح روز ۲۷ اسفند ۱۳۶۶ نیز سامان‌دهی امور مناطق تصرف شده از جمله رسیدگی به مصدومان بمباران روز گذشته‌ی حلبچه، دجیله و روستاهای

اطراف آن، انتقال اهالی دشت زور به اردوگاه‌های داخل خاک ایران و جمع‌آوری غنایم و اسیران مورد توجه فرماندهان قرار گرفت.* با توجه به باز شدن جاده‌ی نوسود، محور پاوه - نوسود عقبه‌ی اصلی برای انتقال مجروحان در نظر گرفته شد. همچنین مقرر شد، علاوه بر فعال کردن بیمارستان‌های شهرهای نزدیک به مناطق مرزی ایران، بیمارستان‌های حلبچه هم برای رسیدگی به مصدومان تجهیز و تدارک شوند و چند اورژانس در منطقه احداث شود. براساس آمارها تعداد مجروحان در محور جنوبی عملیات بالغ بر ۲۰۰۰ نفر و در محور شمالی عملیات حداقل ۱۰۰۰ نفر بود. همچنین گزارشی از آخرین وضعیت بمباران‌های شیمیایی از جانب فرمانده کل سپاه پاسداران به اطلاع آقای انصاری

(از بیت امام) و آقای هاشمی‌رفسنجانی رسید.^(۷۰) با توجه به نامناسب بودن جاده‌های محور ملخور و کندی حرکت وسایل نقلیه در ارتفاعات این منطقه، مسئولان به این نتیجه رسیدند که مردم مناطق شمالی دشت زور را نیز از محور نوسود به اردوگاه‌های داخل ایران منتقل کنند.^(۷۱) اغلب مردم که به کوه‌ها و شیارهای اطراف گریخته و در سراسر منطقه پراکنده شده بودند، غذا و وسایل گرمایی نداشتند. به همین دلیل مقرر شد به آنان آب، غذا و پتو برسد تا از گرسنگی و سرما از بین نروند.^(۷۲) با توجه به ادامه‌ی بمباران شهرها، روستاها و محل تجمع مردم به وسیله‌ی هواپیماهای عراق فرمانده کل سپاه در گفت‌وگو با برخی فرماندهان، ضمن بررسی اوضاع به این نتیجه رسید که برای حفظ جان مردم باید همه‌ی آنان را چند ماه به داخل

* بر اساس اهداف طرح مانور قبل از عملیات، به جز ارتفاعات شاخ شمیران و شاخ سورمر در محور جنوبی، سایر اهداف عملیات در منطقه‌ی دشت زور به تصرف درآمد و قرارگاه قدس در محور شمالی عملیات و در جنوب شهر سیدصادق و قرارگاه ثامن الائمه^(۷) در ساحل شرقی دریاچه‌ی دربندیخان خط دفاعی تشکیل دادند. قرارگاه فتح نیز در پایین ارتفاعات شاخ سورمر به پدافند پرداخت و بدین ترتیب عملیات هجومی رزمندگان به پایان رسید.

دشمن به طور کامل محاصره شد. چنین مانوری که در حقیقت وضعیت زمین آن را تعیین می‌کرد، از جمله نادرترین مانورها در طول عملیات‌های گذشته بود.

۳. سرعت: برخلاف تصور فرماندهان، عملیات والفجر ۱۰ با سرعت بسیار خوبی انجام شد و این امر موجب گردید تا نیرو و تجهیزات نظامی فراوانی از دشمن در محاصره قرار گیرد و قبل از تحرک جدی نظامیان عراقی، با ایجاد خط پدافندی، کل دستاوردهای عملیات تثبیت شود.

۴. وضعیت طبیعی منطقه:

با وجود وسیع بودن جبهه به هنگام عملیات، عرض خط دفاعی صرفاً در تنگه‌ی خرمال به ۱۰ کیلومتر محدود می‌شد و بقیه‌ی جبهه‌های فتح شده در کنار دریاچه‌ی دربندیخان قرار داشت که نگه‌داری و دفاع از آن‌ها با

نیروی اندکی انجام می‌گرفت.

۵. تلفات کم: با وجود وسعت بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع منطقه‌ی عملیاتی دشت‌زور (منطقه‌ی هدف هجوم رزمندگان) آمار تلفات نیروهای خودی کم بود.

۶. تارومار ضد انقلاب: نیروهای خودی در این عملیات اسناد و مدارک فراوانی مربوط به فعالیت‌های ضد انقلاب در استخبارات شهرستان حلبچه به دست آوردند و ضربه‌ی قوی به گروه‌های ضد انقلاب شامل دمکرات، کومه‌له و رزگاری وارد کردند.

۷. برد سیاسی: با توجه به اهمیت سیاسی منطقه‌ی عملیات و شهرهای حلبچه، دجیله، خرمال،

ایران منتقل کرد و در مکان‌هایی مناسب اسکان داد و بعد از بهبود اوضاع به محل سکونت‌شان بازگرداند. در چنین وضعیتی، خبر رسید مدارس و برخی اماکن عمومی شهر هرسین در استان باختران آماده‌ی اسکان حدود ۲۰ هزار نفر از اهالی حلبچه است و سپاه پاسداران نیز به سرعت غذای این تعداد را برای حداقل ۳ روز فراهم کرده است.^(۷۳) تعیین تکلیف احشام و دام‌های مردم که در سطح منطقه پراکنده بودند از جمله مسائلی بود که قرار شد درباره‌ی آن از دفتر امام سؤال شود.^(۷۴)

ویژگی‌های عملیات والفجر ۱۰

با محاصره‌ی کامل دشت زور و تصرف نقاط مهم این منطقه از جمله شهرهای حلبچه، دجیله، خرمال و همچنین تسخیر چند پادگان نظامی، اهداف اصلی عملیات والفجر ۱۰ به جز ارتفاعات شاخ شمیران و شاخ سورمر در جنوب دریاچه‌ی دربندیخان تأمین شد و تجهیزات نظامی فراوانی از دشمن منهدم یا به غنیمت درآمد. چند ویژگی بارز در این عملیات سبب دست‌رسی سریع به اهداف و موفقیت کامل آن شد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. فریب و غافل‌گیری دشمن: از آن‌جا که دشمن می‌پنداشتند سمت اصلی عملیات ایران سد دربندیخان در محور جنوبی منطقه حلبچه است، در برابر اقدام قرارگاه قدس در ارتفاعات سورن حرکت مناسبی انجام نداد و هنگامی به خود آمد که دیگر دیر شده بود چرا که رزمندگان جاده‌ی اصلی آنان را در پل گردکو تصرف و تأمین کرده و ارتباط شمال - جنوب قطع شده بود و از طرفی همه‌ی نیروهای عراقی در دشت زور در محاصره قرار گرفته بودند.*

۲. مانور احاطه‌ی: مانور عملیات به تعبیر کلاسیک از نوع مانور احاطه‌ی بود و با اجرای این مانور

فرمانده سپاه، سرهنگ انصاری فرمانده هوانیروز را برای فعال کردن هلی‌کوپترها در انتقال سریع مجروحان به اورژانس و بیمارستان‌ها مأمور کرد، اما به دلیل نامناسب بودن جاده‌ها و برخی محدودیت‌های دیگر، تعدادی از مصدومان شیمیایی به شهادت رسیدند

* سرلشکر ستاد علی حسین عویدالعقاوی فرمانده لشکر ۴۳ پیاده‌ی عراق که در ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ در شرق شهر دجیله اسیر شد، درباره‌ی دلایل غافل‌گیر شدن ارتش عراق در منطقه‌ی دشت زور مطالب مهمی را بیان کرد.

ارجاعات:

۱. درودیان، محمد، شلمچه تا حلبچه، سیری در جنگ ایران و عراق (جلد چهارم)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۶۸.
۲. سند شماره‌ی ۶۸۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش عملیات والفجر ۱۰، داود رنجبر - غلامرضا ظریفیان شفيعی، مقدمه.
۳. مأخذ ۱، صص ۲۰۶-۱۶۸، و- سند شماره‌ی ۱۲۳۰۴۵ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: معاونت عملیات نیروی زمینی سپاه، ۱۳۶۷/۱/۵، صص ۲-۱.
۴. مأخذ ۲، صص ۱۰-۵.
۵. نوارهای ۱۱۹ و ۱۲۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی آقای هاشمی رفسنجانی با فرماندهان ارشد سپاه، قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص)، عملیات والفجر ۱۰، داود رنجبر، ۱۳۶۶/۱۱/۲.
۶. مأخذ ۲، صص ۲۰-۱۱.
۷. مأخذ ۲، ص ۲۱؛ و- سند شماره‌ی ۲۸۲۰۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: نوار ۵۴ قرارگاه خاتم، جلسه‌ی فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی، عملیات والفجر ۱۰، داود رنجبر، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱، موقعیت شهید مطهری، مریوان.
۸. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزیده‌ی اسناد عملیات والفجر ۱۰، سند شماره‌ی ۰۳۱۷۴۷ از مدیریت جو و اطلاعات زمین نیروی زمینی، ۱۳۶۶/۱۲/۱۹، صص ۶۰-۵۶.
۹. مأخذ ۲، صص ۲۴-۲۳.
۱۰. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزیده‌ی اسناد عملیات والفجر ۱۰، سند شماره ۰۳۰۲۵۶، از فرماندهی نیروی زمینی سپاه به سپاه‌های تابعه‌ی نیروی زمینی سپاه، ۱۳۶۶/۱۲/۲۲، ص ۳۷.
۱۱. مأخذ ۲، ص ۲۷.
۱۲. مأخذ ۲، ص ۲۸.
۱۳. مأخذ ۱، ص ۲۲۲.
۱۴. مأخذ ۲، صص ۳۰-۲۸.

بیاره، طویله و آزادسازی شهر مرزی نوسود (ایران) عملیات والفجر ۱۰ آثار سیاسی مهمی داشت. همچنین این عملیات که در اوج جنگ شهرها انجام شد- از نظر محافل جهانی یک پیروزی سیاسی - نظامی تلقی گردید.

۸. فراوانی تعداد اسیران و حجم غنایم: در عملیات والفجر ۱۰ تعداد اسیران عراقی و حجم غنایم به دست آمده زیاد بود.^(۷۵) همچنین در این عملیات یک لشکر و ۲۸ تیپ ارتش عراق از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد خسارت دیدند. گفتنی است در این عملیات ۴۸۴۸ نظامی عراقی شامل، ۱۸۹ افسر از جمله فرمانده لشکر ۴۳ عراق با درجه‌ی سرلشکری، ۲ سرتیپ، ۲۶ افسر ارشد، ۱۶۰ افسر جزء و ۴۶۵۹ درجه‌دار و سرباز و چند مقام سیاسی استان سلیمانیه از جمله فرماندار حلبچه و بخشدار سیدصادق و حدود ۴۰۰ نفر از افراد گروه‌های مسلح ضد انقلاب به اسارت درآمدند.

میزان غنایم، تجهیزات و امکانات به دست آمده از دشمن و خسارات وارد شده به آن نیز چنین است:^(۷۶)

ردیف	نوع	میزان انهدام	میزان غنیمت
۱.	تانک و نفربر	۲۷۰ دستگاه	۹۰ دستگاه
۲.	اسلحه‌ی انفرادی و آر.بی. جی.	۷۵۰ قبضه	۶۱۰۰ قبضه
۳.	توپ ضد هوایی	۲۰ قبضه	۲۰ قبضه
۴.	خمپاره‌انداز	۴۰ قبضه	۲۰ قبضه
۵.	توپ‌خانه‌ی صحرايي	۶۰ قبضه	۱۰۰ قبضه
۶.	وسایل مهندسی	۱۳ دستگاه	۱۵ دستگاه
۷.	خودرو	۲۳۰ دستگاه	۸۰۰ دستگاه

۱۵. مأخذ ۲، صص ۲-۳.
۱۶. مأخذ ۲، صص ۶۷-۶۸.
۱۷. سند شماره‌ی ۱۶۵۱ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر ثبت جنگ راوی قرارگاه فتح در عملیات والفجر ۱۰، راوی: علیرضا ایزدی، از ۱۳۶۶/۱۲/۱۷ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۴، صص ۱۱۸ و ۱۲۵-۱۲۴؛ و- مأخذ ۲، صص ۶۹-۷۰.
۱۸. مأخذ ۲، صص ۷۱-۷۲.
۱۹. مأخذ ۲، صص ۷۶-۷۷.
۲۰. مأخذ ۲، صص ۸۸-۸۹ و ۱۲۳-۱۲۲ و ۱۵۳-۱۵۵.
۲۱. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزیده‌ی اسناد عملیات والفجر ۱۰، سند شماره ۰۳۰۲۵۹، از فرماندهی قرارگاه فتح به یگان‌های تابعه، ۱۳۶۶/۱۲/۲۱، ص ۴۵.
۲۲. مأخذ ۲، ص ۳۳.
۲۳. سند شماره‌ی ۱۳۹۶۴۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش ساعتی عملیات والفجر ۱۰، از ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۸، صص ۱-۱۱.
۲۴. سند شماره‌ی ۴۸۲ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش راوی قرارگاه قدس در عملیات والفجر ۱۰، احمد نیک‌روش، صص ۶-۷.
۲۵. سند شماره‌ی ۱۶۴۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر ثبت جنگ راوی قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) در عملیات والفجر ۱۰، راوی: سیدعلی خاتمی، از ۱۳۶۶/۱۲/۲۰ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۳، صص ۱۱۶-۱۱۷.
۲۶. بخش اول مأخذ ۱۷، ص ۲۹۹.
۲۷. مأخذ ۲، ص ۵۴.
۲۸. مأخذ ۲، ص ۵۴.
۲۹. مأخذ ۲، صص ۴۹-۵۰.
۳۰. مأخذ ۲، ص ۱۳۰.
۳۱. هاشمی، علیرضا، دفاع و سیاست، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۶، دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ چهارم، ۱۳۸۹، ص ۵۲۱؛ و- مأخذ ۲، ص ۵۲۱.
۳۲. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزیده‌ی اسناد عملیات والفجر ۱۰، سند شماره‌ی ۰۳۰۳۰۳، از اط کل به فرماندهی کل، ۱۳۶۶/۱۲/۲۶، ص ۲۹۹.
۳۳. سند شماره‌ی ۱۶۳۵ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر ثبت جنگ راوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص) در عملیات والفجر ۱۰، راوی: داود رنجبر، از ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۵، ص ۹۳.
۳۴. سند شماره‌ی ۱۶۴۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفترچه‌ی ثبت جنگ راوی قرارگاه قدس در عملیات والفجر ۱۰، راوی: احمد نیک‌روش، از ۱۳۶۶/۱۲/۱۹ تا ۱۳۶۶/۱۲/۳۰، ص ۸۳.
۳۵. سند شماره‌ی ۱۶۳۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفترچه‌ی ثبت جنگ راوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص) در عملیات والفجر ۱۰، راوی: داود رنجبر، از ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ تا ۱۳۶۶/۱۲/۳۰، ص ۱۸؛ و- مأخذ ۲، صص ۱۳۱-۱۳۰.
۳۶. مأخذ ۲، ص ۱۳۱.
۳۷. مأخذ ۲، ص ۶۳.
۳۸. منبع اول مأخذ ۲۹، صص ۶-۱.
۳۹. مأخذ ۲، ص ۱۴۸.
۴۰. سند شماره‌ی ۱۶۵۲ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر ثبت جنگ راوی قرارگاه فتح در عملیات والفجر ۱۰، راوی: علیرضا ایزدی، از ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۷، ص ۳۵.
۴۱. مأخذ ۲، صص ۱۸-۱۶؛ و- سند شماره‌ی ۱۱۷۱۹۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: شرح عملیات والفجر ۱۰، لشکر ۲۵ کربلا، نیروی زمینی، ۱۳۶۶/۱۲/۲۷، صص ۴-۳.
۴۲. مأخذ ۲، ص ۱۰۱.
۴۳. مأخذ ۲، صص ۵۷-۵۶؛ و- روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۶، ص ۱۰.
۴۴. سند شماره‌ی ۳۱۱۹۱۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: خلاصه‌ی اظهارات گروهی از اسیران عملیات والفجر ۱۰، ۱۳۶۷/۱/۱۲، ص ۱۰؛ و- سند شماره‌ی ۳۲۷۱۲۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: لشکر ۴۳ پیاده، ۱۳۶۷/۱/۵، صص ۲۰-۱.

گزارش عملیات والفجر ۱۰

۴۵. مأخذ ۳۴، ص ۳۵؛ و- مأخذ ۲، صص ۱۶۹-۱۶۷.
۴۶. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن رویدادها و تحلیل، شماره ۱۹۰، ص ۹.
۴۷. سند شماره ۱۶۴۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر ثبت جنگ راوی قرارگاه ثامن الائمه^(ع) در عملیات والفجر ۱۰، راوی: سید علی خاتمی، از ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ تا ۱۳۶۷/۱/۷، ص ۵۵ و مأخذ ۲، ص ۲۸.
۴۸. سند شماره ۳۰۳۰۵ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: به معاونت اطلاعات، ۱۳۶۶/۱۲/۲۶؛ و- مأخذ ۲، صص ۲۰-۱۳ و ۴۶-۴۵.
۴۹. مأخذ ۲، صص ۲۰ و ۲۵.
۵۰. مأخذ ۲، ص ۱۱۶.
۵۱. مأخذ ۲، ص ۷۴.
۵۲. مأخذ ۲، صص ۴۵-۳۰.
۵۳. مأخذ ۲، ص ۲۲؛ و- سند شماره ۱۷۶۱۵۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: از ستاد مرکزی سپاه واحد اط به کلیه ی نواحی سپاه واحد اط، ۱۳۶۷/۱/۸، ص ۱.
۵۴. مأخذ ۲، صص ۸۰-۷۹.
۵۵. بخش دوم منبع ۴۳، ص ۲.
۵۶. موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، صحیفه‌ی امام، مجموعه بیانات- پیام‌ها- مصاحبه‌ها- احکام- اجازات شرعی و نامه‌ها، ج ۲۰، پاییز ۱۳۷۸، صص ۵۰۲-۵۰۱.
۵۷. مأخذ ۲، ص ۲۳.
۵۸. مأخذ ۲، صص ۱۳۶-۱۳۰.
۵۹. مأخذ ۲، ص ۲۴.
۶۰. مأخذ ۲، صص ۹۳-۹۲.
۶۱. مأخذ ۲، ص ۱۰۵.
۶۲. مأخذ ۱، ص ۲۲۸.
۶۳. مأخذ ۲، ص ۶۰.
۶۴. مأخذ ۲، صص ۶۳-۶۱؛ و- مأخذ ۲۵، ص ۵۲۱.
۶۵. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزیده‌ی اسناد عملیات والفجر ۱۰، سند شماره ۰۳۰۳۲۱، ۱۳۶۶/۱۲/۲۸، صص ۵۲۹-۵۲۵؛ و- همان ۲، ص ۶۴.
۶۶. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزیده‌ی اسناد عملیات والفجر ۱۰، سند شماره ۰۳۰۸۶۰۰۳، از سپاه یازدهم امام حسن عسکری^(ع) - اطلاعات به قرارگاه حمزه سیدالشهدا^(ع) - اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۱، ص ۵۴۷؛ و- مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزیده‌ی اسناد عملیات والفجر ۱۰، سند شماره ۰۸۵۹۶۵، از سپاه یازدهم امام حسن عسکری^(ع) - اطلاعات به ستاد مرکزی سپاه پاسداران- اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۴، صص ۵۴۸-۵۴۹.
۶۷. سند شماره ۴۵۲۳۳۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: از نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان عراق به فرماندهی قرارگاه نصر رمضان، ۱۳۶۶/۱۲/۲۶، سند تک برگی.
۶۸. مأخذ ۲، ص ۵۰.
۶۹. مأخذ ۲، صص ۵۲-۵۰؛ و- سند شماره ۱۶۴۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر ثبت جنگ راوی قرارگاه نیروی زمینی در عملیات والفجر ۱۰، راوی: اسدالله احمدی، ص ۴.
۷۰. مأخذ ۲، صص ۶۰-۵۸.
۷۱. مأخذ ۲، ص ۲۸.
۷۲. سند شماره ۲۸۲۴۶ پیاده نوار، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: با فرماندهی، داود رنجبر، ۱۳۶۶/۱۲/۲۷، ص ۵۶.
۷۳. مأخذ ۲، ص ۳۸.
۷۴. مأخذ ۴۳، ص ۷۹؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۱۶، ص ۱۰.
۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ش. ۱ (۱۳۶۷/۱/۱)، صص ۱۴-۱۳، تهران، ۱۳۶۶/۱۲/۳۰ (۵/۱۵۲)؛ و- گزارش ۶۸۳، عملیات والفجر ۱۰، قرارگاه خاتم‌الانبیا، غلامرضا شفیعی، صص ۷۸-۷۷.
۷۶. مأخذ ۲، صص ۸۰-۷۹؛ و- سند شماره ۵۱۷۱۵، از نیروی زمینی سپاه، معاونت اطلاعات به فرماندهی کل سپاه، ۱۳۶۷/۱/۲۰، صص ۶-۵.